

فهرست میزان الحق

بجست نالت رقص دور اوراق ۷	بجست ثانی تغذیه اوراق ۶	بجست اول حیات حضرت صحه ۴
بجست سادس قهوه دور اوراق ۱۶	بجست خمس رخان اوراق ۹	بجست رابع ترضیه و نصیله اوراق ۸
بجست تاسع ایمان اوراق ۱۶	بجست ثامن ابوی رسول الله اوراق ۱۲	بجست سابع برش و آفون اوراق ۱۴
بجست ثانی عشر بدعت اوراق ۴۰	بجست هادی عشر لعن یزید اوراق ۱۸	بجست عاشق شمع محی الدین اوراق ۱۷
بجست سادس عشر افغانا اقل زبانه اوراق ۴۴	بجست خامس عشر مصلحت اوراق ۴۴	بجست ثالث عشر زیارت قهوه اوراق ۴۰
بجست شین الوعود و برکلی حجت اقلی اوراق ۴۰	بجست تاسع عشر رشوت اوراق ۴۹	بجست سابع عشر امر بالمعروف اوراق ۴۴
	بجست چهارم عشرین سوسه اقلی کایه قاضی زاده اوراق ۴۱	

کتاب میزان الحقیق

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعل العقل حجة في خلقه وابتدأ الشرع به فيما يفرق بين الباطل
وحق. والصلوة والسلام على محمد المبعوث بالنقل المعجز الفاضل و
العقلاء الكامل وعلى آل وصحبه اجمعين ما دام المباحث في تحافل الافاضل
والعلماء اولاً فربما يشهد بآراء وبيان ارباب دانشه عقل اول نقل تواضع و معقول
و مشقول فرقت برهان اول و کما سلم و معارض بقیه به مسلک برهان مزاج و سلم
اول معقد بحث و نظر و ادب بر نه معول علیه بود و در معارج الیه برادر بعضی ناس و
و سوار است بر سواران و اسب طریق برهانی نویوب چهل حاشیة و غنیات و وحیات
ایله برهان معارضه قضیه بن ادب و رفاج ساد و نزاع و تصعب بل و ضعیف و
اولوب سلفه و کین تصعب جنگی که بی براباب حاشیة باطل جدا نری قابل
مؤدیه اول معقد از قلم مشدی که بنا و نزاع اولان ساد و نزاع طریق برهانی بیان
برای سطر سید اولوب میزان الحقیق فی اختیار لاحق و بدلی ناکه عاتق نزاع
و جدال ماده می ند و معقول ثمره فی شیخ اولور بدلیه روح حقیق و اول بر نه و دور
قوری غوغا و دن فارغ اوله بر سب بر شفر بر معقد و و نوجو صاحب اوزره در تدر
مقدمه علوم عقاید فرعون میانه در طالب حقه معلوم اوله که علم بر سر
متعلق موجود کرات معدوم قبول مطلق اول جانبیه دهن توجیه اوله بود
دخی مطلق ماده و دخی مستغنی اولور اول معقول امور متعلقه باطن علم الی در
فروزی چوند بر حاشی با حکیم با مملکه و موجود و معقد ماده و دن مستغنی

فراوان

خارجیه ماده محتاج اولور اما متعلق مباحثه علم بر حاشی در اول اصول در نه
فصل عدد و وحیت و حشر و موسیقی فخری و حشر و نیک نجه فروزی و در
موجود و هم خارجیه و هم و حشر مطلق ماده محتاج اول اول معقول امور مباحثه
علم طبیی در بر بو علمک دخی فروزی چوند بر سب بر حاشی و علوم عقاید و علوم نظریه
بوقت مدن خارج و کله و بونزده فکر و نظر طریق بحث اولوب فکره خطرات
عصمت معصی بچون قانون استلال و نظری تدوین ادب و ناسه علم میزان
و علم مطلق دید بر و معیار علوم مدر علم سید شرف بر حاشی توجیه بر علمک دخی
بو وزن و معیار ادب عیار الیه انک علم اعتبار و اعتبار بود اول اول اول اول
محققین و چوند زاهد اولور و علم مطلق مقصود بالذات و کل مقاصد تحقیق
و سید و اندر مبداء فطر ندن بر طوایف و ام مینده قرار و علوم ضروری و
حقیقه و بر حاشیه بود کراون حقایق انشیاء علم بر کس منزل و علوم غریبه
مباحثی علوم مذکوره مباحثی و مسأله الیه اگر موارد اجتماع و اتفاق ادب و
مواد متعدده ده انترق واقع اولمشد اهل اولان اول ماده لری بدور لور
اما علوم شرعی که بر عینه مراد علوم اسلامی در حاشی و کل مقاصد بالذات
اولا یا فی تحصیل و سید اول و سید علوم آیه و علوم ادب و علوم عربیه در بر
زیر مقصود بالذات و کله و ادب در سب بالذات و ادب نفس بالواسطه انک
موقوفه و الفاظ عربیه دن بحث اید بر نونک اقب می موضوعات کما بر نه
باز و دخی اوزره اون الی اولق مشهور و مقصود بالذات دخی موضوعات
ایله بر نونک تمیز اولور موضوعی کلام ادب علم تفسیر و علم قرآن و فروزی

بعضی حقا حرمین ادعا اولور
جمل و حاشیه ناسه
سید

اول اول اول اول
اول اول اول اول
اول اول اول اول
اول اول اول اول

کلام رسول الله علم حدیث و فروعی است که در دین و دهر و راجع آوردن مستطاب
 او لوب صرف اعتقاد و متعلق ایست علم کلام در نهایت متاخرین مباحث
 حکمی بی بوعده خطا بدیده علم الدین شرح مقاصد و جوت مقصود
 انکشاف فوج بولید قیچون بدیده و اگر صرف اعتقاد او لوب علم متعلق ایست اصول
 و فروع و سایر اما متفرع تر از حجب علم بدیده سابقه مذکور اولد و بی اوزده علوم
 عقیده و علوم حکمیه بوعده داخل المیش اول علم الدین بی بهره اولان بوعده و بی
 تمام مرتبه واقع اولان بوزن حکمیه خلقی ارسانه شایع اولان انکار اصل علم
 صدر اسلام صحابه کرام حضرت پیغمبر علیه السلام اند و روایت ایست علم کی کتاب و سنت
 تشبیه و بدو قواعد اسلامیه رسوخ و استحکام بولدن غیری علمه شغل خود نایند
 یکی منشی بنده عظیم شند تکرار بدیده حضرت عرضی ایست معروضه و اسکند بیفخته
 پیغمبر یک جمله بولدن که بی قدری زیاده اولد خلق کی با الله رسول الله
 حفظه ن فالوب با غلر مشغول اولور لودی و قواعد اسلامیه بمرتبه رسوخ و استحکام
 بولار لودی صدر اولد اول مصححی کوریدر صدر ثانی و ثالثه تا بعین و مجتهدین اولور
 بر دینی تدوین ایدوب اصول و فروع قاعده اولد شریعت دین احکام الهیه بی
 استظهار ایدوب یا نزد بجز بدیده علوم اسلامیه تدوین اولوب بر طریق علم الدین
 مصنون قلم قد نصکره اهل اسلام الحارری کوردی کوردی که سلفک منعی بود و صحت
 ایچون ایدی خود بر طرف غلو به صحت بدیده اهل اسلام حقایق اشیا علمی
 علمیه و دینی بنی امیه و العباس عصر اند و علوم او ایل کتابین ترجمه و تفسیر
 ایست بدیده و فطریه و عقول مستفیده اصحابی عصر عصره المیزان اولوب تحصیل کرد و حقایق

فایده

فایده کسب تحریر و تحقیقه کلامیه شریعت منشی جمیع این محققان کثیری عصره
 مشهور و معجز اولوب رواج بولدی علماء اسلام دن تحقیقین امام غزالی
 و امام غزالی و علامه عضد الدین و انبای و فاضلی و بیضاوی و علامه شری
 و قطب رازی و علامه سعد الدین و تفتازانی و سب شریف و حنفی و المکر
 اتباعند علامه جمال دولی و شاکر دلدی مقام تحقیق و تفرقه و اصل
 اولوب یا کلمه بر فزیده قلم بدیده لکن بیضالی از هنر کسب زحمت اولد و برای مصطفی
 واقع اولان منع روانترین کوروب نجر جامه کی تعلیم محصله طو کور قالدی
 اصلتی تدوین و ملاحظه ایتدن رد و انکار ایلدی فلسفه علمدی دیونم متلا و
 بری و کورکی بلر نجاهل یکن علم کی ندی اولم نظر وافی ملکوت السموات
 والارض تمهیدی قول و لغت کرمیوب زمین و فدا کده نظری بقرب کی کوزید باقی
 ضاعندی دولت علیه عثمانیه او ایکندن سلطان سلیمان خان زمانه کلمه حکمی
 شریعت علم بدیده جمیع اهلین محققان شتهاره ایدی ابو الفتح سلطان محمد
 مدائیس ثانی بنایدوب قانون اوزده شغل اولد دیو و قفیه سنه و قفیه
 حاشیه تجرید و شرح موافق دین بدیده تبیین المیشی حکمیه کلید بود و کور
 فلسفیه تدوین و دیو قالدیوب هدایه و اکل دین دین و قفیه کوردی یا لکر
 اکل احقصارنا معقول اولم فیه فلسفیه و نه هدایه و اکل قالدی بود و کور
 سون علم کد کلوب اهل انفرامند قریب اولم بعضی کادده المراد دیار نزه
 بر برقانون اوزده شغل ایدن طاب لکر مبتدعی روم کلوب عظیم طافره
 صتا اولدی اندی کوردی عصره فزیده بعضی توان حکمت طاب بی اولوب فقر و غنی

اول اجدن ملت نهرانی و بی فایده
 در ایندیر لکن اصل اسلام تافت
 اید جو اید با زوب مطبق
 در ایندیر
 هله

اثنا و مذکور و مدار سه استعدا صیغه طالع بری سقراط افلاطونی ترغیب
 ایندی که یکی حقایق اشیا علی تفسیر تفسیر باید و ب بوسال ده دینی و صیت
 و جود نه نصیحت همچون برق ج مواد ذکر و ایراد الیهم تا که مطلق علم نامزد اولانی
 مهاد ممکن تفسیر سخی المیزان به بر جمله لازم ظهور ملک ضروری اولما لازم و انکار
 الیهم بر زیر بر شئی انکار او نشدن بعد و حرمانه سیدر **ماده اولی** مفتی محمد
 غیر مهندس فتوا سیدر بر کسند طولی عرضی محقق درت زرع بر بحر حفر ایما آخری
 سکر اقیه استیجاری ایوب اول دخی طول و عرض و عمقی ایکی زرع بر بحر حفر ایکی
 و درت اقیه استیجاری ایوب ایندر دیر هندیه طر مفتی درت اقیه حقیقه دیدی مفتی
 مهندس بر اقیه در دیو فتوی دیدی حق دخی بود **ماده ثانی** قاضی مهندس ایله
 غیر مهندس حکیمه بر کسند طولی و عرضی بوز زرع اولی اوزره بر ترالی آخوه سیدر
 تسلیم هندیه طولی و عرضی المیزان ایکی نازل و بر دی ارا نده نزاع واقع اولما
 برقاضی و وار دیر که هندیه یلری حق بود و بر حکم الیدی حکمه قاضی مهندس
 بولوب دکلته در نصف حقیقه دیدی حق دخی بود و بر حکم الیدی حکم مراد
 ایدن ریاضیات کو که هموس ایله **ماده ثانی** علامه بیضاوی و القرقنده آثار
 ایتی تفسیر نه ترکیب یکر می سکر مضمونی بیان ایند که حکمه نزل القرقنده لیدنی احد
 منها لا یخطاه و لا یتفاهر عنه و یحشر اگر ترکیب هر منزل نزولی بر وقت
 اولیدی کلام مزبور صحیح اولور دی لکن اولید و کله که اوسط لیدم بر منزلدن
 بر منزل انشغالاید که بر کجیده ایکی منزل حرکت اید و هر منزل همچون تقریباً
 اونی اوج درجه اولور حد معین و ادر قمر کسیری کاه اون بر درجه کاه اون

درجه اولی

درجه اولور بوی خصوصاً اصله و قوف مراد ایدن نجوم و فلکیات قدری
 کوره و بر ماده دخی سیدر اسکندرتین اسدین آینه جبل ارضیه و آریخ
 دیکله تبریز سمنده و ملق اوزره بانشه بود دخی واقع مطابق دکلته حقیقی ادر
 بیکل استنبی جغرافی فنی متبع ایله **ماده ثانی** بود که ریاضیات در سنده
 شغل اناسه اوج مساو خطره خطو اید و ب س ن فقهیه بر اجماع اید
 شیخ الاسلام بهانی اقدیدین استقفا ایشیدیم جواب سار اولی مقایسه شرعی
 متضمن بر رساله باز قد ناکره اوج مساو لایسته مکر جواب بانشه کندی خطی
 فتوی ایمنی شیخ نادر اقدیدین خطی خطی خطی خطی خطی خطی خطی خطی خطی
 اصلاح جواب یونان میل ایشیدی مراد ایدن رساله مذکوره بر مراجعت ایله سار
 بود که بری طبع الشمس من المغرب جهت قاعده سه تطبیق اولور بر دخی
 النبی آی کوندر النبی ای کجا اولد دخی بر بر شق قنار خیمه سار اوج سنج طوبیور
 بری دخی مکدن غیریده جیات بر قبله اولور ایحدی باب استعداده معصومه
 و ریاضیات بلکه حکم سخی ملک کرک تا که طریق نظره وطن و شک صاحبی و قحاصم
 و شک اولیه تفسیر یونان حکمه معلوم که بر قومک اراشته بر ماده
 نزاع و اختلاف واقع بر شند کندن حکمه کلیت اید اول نزاع و اختلاف رخ اولوق علم
 و مفسر دکلته اگر صاحب سیف بر طرفی فقره غلبه اید اسکات ایدر سید دخی
 اولما رسو بولور کیدر ایحدی بوسالیدی خبر بدین مقصود ارباب استعداده انباش
 و سست استدل و جمله له بر نمایشه **والا العلوم** کالو ام بحث و جدله نه اعتبار اولر
 بود دخی معلوم اولد که دورا مدبر و خلق فقه فقه هر بر قنار بر دلو مدعی و بر دلو
 مشرب وارد که فقه اول مخالف کو بر کل خرب بنامه هم خرمن مقتضا سخی

جسدی کند و مسلکی بکتاب مسلک اخرون ترجیح اید نهایت کیمی عاقله و باطنی
حکمتی تا بل و ملاحظه اید و بختند و بجه مصالح بلور و کشتک مسکنه و شربیه
دخول تعرض الیها را کنند و ریاضی متفقا بجا میسر قیمنه انکار اید انکار اید
کیمی فی حق احد اختلاف حکمتی بر عقلی ریزه و شربیه اولسون دیوهای تصور
ایدر مردیده بلا موجب نزاع جمیع الیمن دخل و تعرض قید نه و شوب قرار داده
اموری دفعه جانشور ممکن اولماز سیوده زحمت حکرا ایدی لکن که اهل بصیرت متفقا
حکمت تمدن و اجتماعی که لازم بشیریه دندر معلوم اید نیو با صفا و خلق تقیینه
و هر شک حال و شانه و افتاد اولار بر شهر خلقی اصناف و هر صنف عرف و حسن
و قوت و فکر و سخن و معسکون سکنانک دفعی اصناف و احوال علم اجمالی تعلیم
سعی اید لربعد الحمول حکمتی تمدن ترکیب سکنت اولوب که رک بلیو که بوقوله

نزاع و جدل را بانی بیت شکوته روشن زبان کیمی ضعیف بی تا بدیج ناول

حیات حضرت علی (ع) اتمام اولاحیات و موت نبه دیر الکره واضح و معلوم
لکن بومقامه الزام چون ذکر اید له پس حیات ذی روح تنفس حسی هم کند
انصافیدر ذی روح حیاتیه متصف اولد و فوجن حیوان دخی دیر بوجصفه قائم اولد
ذوات تاویه اولمغه اصل ماده عنا ملزمه دار کاندن تا لیف و ترکیب اولوب
هر برینک کیفیات ربوت کسر وانک دفعی انفعال اید امتزاج اولوب مزاج
حاصل اولد قد فکوه حیاتیه استعدا کلیک فیاض و بخل و قوت فیاض روح
بخش اولور و بدن انکله حیات اولوب حس و حرکت آغاز اید و جنس حیوان اولد
مزاجی مختلفه اعدا مزاج حیوانات مزاج انسان اولد که عرض
مزاج و سطنده در و هر نوعک مزاجه کوره انسان و اعمای اولور که طبعی

دیر امتزاج اشد و ترکیب دائمی و احد اوزره قاطن ممکن اولوب اشیاء
مختلفه الطبایک مزاجیه اثر اختلافی البتة ظهور لازم اولمغه از اختلاف اوج مزاج
بولشکر مرتبه اولی به زمان غریزیه به زمان قوت غریزیه به انحطاط و عکس مزاجیه
حاصل اولان بدن قوت مزاج مزاجیه اختلاف و تفاوت اوزره در پس اصل مزاجیه عمده
اولان کیفیت فاعله و کیفیت منفعه که حرارت و غریزه و طوبت غریزه باندن عبارتند
بومرتبه لرح قوتن منفعه که در موثر خاچیدن قطع نظر حرارت غریزه و طوبت غریزه
دائمات اتمده در طوبت غریزه ایس ماده ای حیات و روح حیوانی اندن عبارتند
غذا البم بدل سایه تحللان حاصل اولان حرارت و طوبت غریزه که چه اید امد اید
لکن سن انحطاط انها بند و طوبت غریزه از قلوب امداد خاچی تلفی سنی و
قبولنه استعدا و مرتبه سندن دوشتر دخی آخر اولوب حس و حرکت و تنفس
کیدر و حیوان اول حالده موت صفی اید متصف اولور حیات صفی کیدر پس
موت حیوانک متصفای طبعی اولوب امور ضروریه دنیا وکی هر چند جنس
و نوعک حکمی افزاده عام و شامل اولوب برینه تخلف اید ملکه واد طوطی بینه خارق
عاده بایر اعدا اولد حضرت عیسی علیه السلام کیمی اول دعوی دخی اثبات نفق طبعی حیاتیه
خبر واحد و طبقات اید امور یقینی یک خلا فی ثابت و لمحق طریق جدله و سکر
بودن سکوه حیات حفرن مراد اگر بشریتن انسخ و ده و حیاتیه التحاق
ایس حضرت عیسی علیه السلام کیمی المرشاند و اراد اولان اولمانی اید بود دعوی
دخی ثابت اولور لکن حضرت عیسی بونشاده نزول اید بینه حالده ایس حضرت دخی اول
حال اوزره اولور با انزانی جنسی اید جسمانی صحبت و ملاقات اید و کیمی حضرت

شماره
شماره

دخی ترک لازم کجور صحت و ملاقاتی بشق بر دعوی آخری دخی اولو که اولی دعوی
 نقص ایر بر باد ملایطی موید بر وایک اصل ندی و دیور مشایخ کرمک
 عالم غیبیه بخیر و سلوی و روحانیات ایل معانی وارده که افر مرتبه سنده
 اولینده بستر دکلدر که که اسکدار عودا فندی جامع الفضا لئله بخیر ایر
 و بعضی اصل السلوک را تصنی بری الوفی عیانا و عن بعضی الفقهاء انه قال کت فی
 بدایه سلوی بر و ستر و کان بحکمتنا جل یوزن بیجام مولانا الفاضل فیات المؤمن
 یوما و حقی علیه ایام کثیره فذهبت الی شیخی بعد صلوة الصبح فلقیت المؤمن
 فی طریق و مع شخص آخر لا عرفه و کان الشیخ یزل علینا فلسه و مضیت ثم ذکرنا
 القصة للشیخ فقال هذا سبب رزقک ایما و کان غدی فی کل الايام جزایا
 ثم قال الشیخ لقد لقیته انا بعض الموقی فی سکت فوق سوق السمک بر و ستر انتهی
 بعض مشایخ اولی سلوک کبریه و ریاضات شاقه سلسلی ایل توسن نفس خود کای برتر
 رام ایر در که عالم اشباحه اید و کسیر ایر در تنک عزیز موی ایل رس رسنه ذکر ایر
 عزیز تر نیک احساندن بر که فوت اولوب بعد زمان تراویه قیوسنه شخص
 مزبور در راست کلوب سلام و بر در خلوت خانه عزیزه داخل اولوب فلان دهه
 مرحوم کوردم حضور کز دن جیغوب طشوه کندی دیو استکشافانیکه او غل
 ریاضت ایر در حد تقویت اقباش سن آنک نار به رفیع دخی احیاناً چار سو به
 داخل اولد قیاماتی احیاناً دن زیاده مشاهده ایر درم برور ر ایمی حقیقت
 حال بودر حکره ناقله با جهل یا تر و بر سبیل امور روحانیاتی افر خارجی و امر
 حقیقی صورتنه ابراز ایر خلقی اصلی بلر که چک صانور ذکر اولان روایت

اصطلاح

و حکایت کرمک غلطی اولدر بعضی کاتب مدعیان کرمک روحانی ملاقات
 و معاند کرمک خارجه دعوی ایدوب انکدر بخیر فرض فاسده نال اولدیلر ان حجر
 عسقلانی احبابه حفره اصحابدن یازد دخی حیات جسمانی سینه دلائل برتری بنور
 ابن حجر صحره قاضی و محدث اصحاب جهاد یوک کسنایدی نقد شافعیه بالغ
 و دیوان شعری و لدر کزیز اعلی اکیده و فی شایسته اکثر معارف علم حدیث و
 اولو با هی جلدیه راول باید عظیم کتاب تالیفاتیشده ر محمد ثک شانی اندر اخصا
 بول یعنی مرویات یازم قدر حافظ مزبور فنک حکمتی اجد و روایت حقیقی هفا
 ایمنه لکن روایت معقولات اید اولور بشق جلاله مرویات ایل و لار ان محرک
 یازد دخی ظنیات ایلد یقینا سندن اولان خصوص معاندیه جلد خصمی الزام ایمن
 و بویاده این جوئی بحال المنظر نام پرست کک بنار و این معیض دخی رساله تحریر
 ایلدر بر نازم دن نقل کلام جانبیه مفید و لاری عاقلان رت کفایت ایدر **بحث**
ثانی خفیه در تعنی فن موسیقی قاعده بنی نهاده تر دید صوتیه در مطلق
 احوالک نفوس و ابدانه تاثیر مقرر در انکار و انکار صوت اگر ناموزن اولور
 نفرت جوتندن تاثیر ایدر اگر موزون و مطبوع اولور سه رغب و اقبال ایلد تاثیر
 نفوس و احوال سندن متاثره اولد و غلک ایدنده اثری اولور و صیغ و تاثیر
 اورا که ایدوب بیغور مکرر علاج محتاج فاسد المزاج و احوال موزون دخی متفق
 بحث اولوق ایچون اوچ قسمه منقسم بولور بر حجه انساندن جیغور بر دخی
 ساز و سوزدن و آلت ضرب و نخله صد و باید سلسله و ادیان اصحابی
 استعنا ایلد بر ملت اسلامیده اهل شرع شریف طهور دن هماد اولانغنه
 استماع مطلقا جائز در دیوب حجه انانندن صد و ایدنه بعضی شروط و قود

طیور دن صادر اولور بری و صحت

مطلق حرکات موزونه بدیرالات موسقاریه تک اصوات و فقرات موزونیتی
 استماعند آنچه تاثر حاصل اولوایس بو حرکات موزونه رؤیتند رخی تاثر حاصل
 اولو نهایت طریق تاثر مختلف بری سمع و بری بصر بودند تاثر ایدر لکن بویژه
 وزن حرکت لازمند تا موزون حرکت تاثره چندانی دخی بود و در فقهی
 تاثری خصوصه سمع بود و در رؤیتی خصوصه کلام تعنیه و بطن تفصیل کبیر
 بودند مگر بعضی موفیک ذکر و توحید انسانیست که حرکت کلمه علم و ظاهر
 حرکت دور رقص اسمی اطلاق ایدوب حرمته شتو الرویدر جسمی
 دخی اولار رقص تمیزی که مسافت دکلر دیو بحث ایوب حرکت دوریه
 برای مصلحت رقصند غیری برفع حرکت تسلیم اولی یعنی تقدیر مصلحت ممتده
 اولی لکن لا بد در دیو رقص نیست و در حضرت علی رضی الله عنه ایاحتیاج ایدوب
 مساکل اجتهادیه در بطریق طهارت کفار اولی زنده بدو بده مصلحت نزد بدو بدو
 جواب و بدو بدو مساکل ذکر و توحید انسانیست که حرکت ایست حرارت ایداول
 حاده بدند برودت کیدوب حرارت روح حیوانی بدنی یا بیور اوج و قوا انشعاش
 کلوب جشی اولان روح انسانی یعنی اگر بدن جسمی یا غیره کلوب و اگر نغمات استماعی
 دخی اگر اماده ایدوب روحانیت طرفه حرکت برعینه شوق و حالت کلوب که اول حاده فیه
 اولی صحو علله دیگر برنی بره قلوب روح گندی چینی جاننده پرواز ایدوب و احوال دخی
 اولوس بنم یق لم یعرف قبله ندر سکون اولی اولد و عندن حرکت تیز وجوده کلوب ساک
 بدو طریق ایدو منزله آلوب آرزمانده مصلحت ناک اولور و حرکت بدان ایدو اوج و قوی حرکت
 کلوب اولی انکار اولی که مبتدی طاهر اولی نکرین بید و بطبع حرکت ایدوب مسالو زبر
 بای تحرکین دماغ نوع حرارت ایدو اعتدال پیدا ایدوب قوت فکر بدیده لکن سبب

اولی

اولور بو معنا بعضی کتب حکیمه مسطور در اما صوفیکر لسان حال حیوانی بود که
 اکثر طایفه حیوانیه آیین طریق مرید جینی او زنده نایاب و نیکه قوروب شکله کبر لک
 شیطانی اولان صوفی روحانی آلت جمیع و مدد معاش درکن انشعاش قلوب صورت اولو و
 سلفک غرضی صوفی اولان ارمیاج و حرکت اضطراریه شکی که اهلن سماج اولسه کرکر
 و آینه دام تزویر و پابند اجماع قلوب اول بهانه ایدو بایم مقولست عوام او شوب کلبه
 بقدر و صدقات کلور بدو بر نو باید و حرکت دوریه تک عظیم بخل و تاثری وارده بودند
 و غزل اولی که شکی شاهد کیمی مرید کیمی زاهد بار اولوب اصل و فصلی یوق اکازی
 شیکارین اوچوروب تغییر شکل اصل لکل بریده کلوب ذکر و توحید و بدو حرکت
 و صوفی آلت ف و دایره ایدو مرید حقیقی و ساک صادق بدنه و شبهه اوج اولوب
 اعالیجیم فاهنا کیمایم قوا انشعاش خلقک لسان ایدو و صورت شکرکی من شسته قوا
 فهم منهنم فاعده بخیر حسن طریقه فیه سنی ایجاب ایدوب ساک لک ایدو بعدن برودت
 و آلت جمیع درکن انشعاش قلوب قوی شکله کبر لک و امنی بوز فیکست اقدام ایدوب
 آنجی طایفه ایدو زنده اولان دخی و تعرضی ایدوب نیچر سالر یازدیلر دخی بیکر
 قلوب بزم کایم زو امر مشرک و مرید جینی ایدو در صورت ایست بطریق عرف و آیینی
 ابطال اولی و شوق خفته بل نیچر بیلدن برو ایدو کلبه بزم و آیین ارامه امر قرار داده اولد
 بدعت ایستده اجمرا ایدو بدو کس و لک سراسر معاشی اولان عمری حق ایدوب بخود دخل
 و تعرض ایدو ترک ایدو طراندو بدو دونه و دکی ای بعضی ارباب تعصب دخی بهیوره دخل
 و تعرضدن دخی و بویک طایفه تک کشکی و دوست سلسله مؤدی اولدی صبح غریبه
 سلسله تزاره انقسام و انقطاع کلبه اوزدی گندی عاقل اولان نه دخل و نه غریبه
 مبتدا اولور تا لک دایم چیلی ایدو لک ساک حقیقی اولیان مدعیان حقه و شکر
 بو شعر دخی اوچور دیکر نظم صوفی بودر کیمیک دیبای صریح بیا و او سر کلبه لک

اولی قوا حده دور
 م

کود را نرسد که تفصیلی که جگر بحث **خمس و خان بحث** اقتضا
 حبسید بر زمان خلق جهان آنچه کلدی دختان بخند بر رساله تسویه ایدوب
 بیاض جعفر مانش ایدم حال ابو مقامده اول رساله عانی یا زیوی مسوده الف
 اولندی لکن انده رعایت انسان ترجیح بطرف غلوب بورساز نظر زما و زده
 و ادرات اسلام بنده یا زودی قبل الحجت و خانک ظهور بیند سبب ندادند ابو علی و
 ای بیان ایدم لم **تعلیم** سال هجرت تاریخی سکر بوزی کجوب طغوز بوزه قریب اولدند
 اسپانیا کلدی یکی دنیای بولوب بر تغال و انگلیس دین خط عربین محیط شرقی و جگر
 کنارای کرکین راط که کتاباطلسه کلد با بازلن کناره قیدد وارد قمره
 سفینه خلقتن طیب بدند رطوبت هوا در یادن مزاجنده استعداد حبسید
 امراض طبعیه عارضه ایدوب علاج با لعدن قانوی اوزره حار و با بسا اشیا کلد
 معالجیه نقد اشیا سده سفینه سی مزبور ایدوب کور که بر نوج ورق نیاراشتم
 ایدوب حار را ایچ اولغله قلب و دماغه نایز ایچن لو کلدی رانند امکه باشور و سفینه
 اولغله در قمر بوردن و فر بولکلند زانده اقامت زمانده استعمال ایدوب بریند کوره
 ایچکه بشدر لکی خلقی دخی کوروب نافع دوا در دیور طبعیه تقلید اید و افزا اوزر
 سفینه انگلیس غلوب فرات دن سار دبار لره یا یوی خلق اصلنی بکدن بهوره
 ایچور ملا حظله استعمال اید که جوی مبتلا ایدوب سار میکفیات قبیلته نایز
 و شرق و غرب عام بمعنی ایچون معدن قالدی و انکلی و ی که بیک اوزده و دیر
 بوآن کلنج بعضی و اعظم ریسو بلیب نیمه علمای دخی جرمست و کی گراحت دعوی
 ایدوب رساله ریزد بر اشلا ربابی دخی با حنه و ایدوب غلوب جو ایدوب و کلرند
 صکره صکره دارا سلطنته یعنی شهر قطنیه ده جراح جی مرحوم ابراهیم فندی
 بو با ده عظیم کیم و سلطان محمد جامعنده محقق مجلس عامده و عظمی و صحت و قوت

صورتی دیوار باشد رسند و افزا اعتقاد و وقت ایدوب بهوره نعل و جگر
 اوسو یلدی خلق دخی زیاده ایچر مهر اولدیر کور لک و ملاز فرغت ایدوب
 سلطان مراد خان ایچ او اخر صند مت باب ساجون قودو خان لری قبادوب بعض
 جوق و قوی سیدد خان دخی سیغ ایشی خلق متوع اویجی غیت شمشیر
 امر صیاونه مخالفت کنه ایچدی ایچدی و عظمی و اعتقاد ایدوب کلدی کلدی منع
 شدن و خلقتک الناس در صیون مانع نخو اسجایچکه در صیون غیتی زیاده اولوب
 اول جرمه جی بیک ادم دیا عده کور ددی مفا در سفر نیکه کن کاه رنزلده
 وجوه عسکران اوزنایش لیری آدی شرب دختان تهتمی ایدوب غلوب خصوص جمیونه و اشده
 ساسند قتل ایدر لایکن کیمی یکنده کیمی یکنده قصه جوقی بود طایب و صحت
 بولنج ایچر لری استانبوله اوجا قده کوروب و ایاق بولدرده ایچک نایست
 یو عیدی بومر نه منع اشیا شده بید ایچر دیا ایچر قوایدی ایدوب و فاشدند کوره
 کاه منع کاه و خفت ایدوب سور بونیشیخ الاسلام سالی فندی حله قوتی و جگر
 خلق عالم را سده مجددا اشنها رور و اوج بولوشیدی طرف سلطنت علیدن اربانه
 برز کوشال و بولکلنه فالحداث غی قوی حال کید و جدمع مسکونده ایچکه در ایشده
 و خانک سر کدست سبی بومثال اوزره اولری بوندن صکره بونک احوالی و اوصافی
 برنجیه اعتقادن حالی و کلدردخی اجمال اوزره ای ذکر ایدم لم **احتمال اول** که خلق
 منفعه متوع اولوب بوندن فرغت ایچکه بواحتال بر طرف خلق کنیز عادت طبعیت
 نایب و دساتار بابی بر جود فرغت ایدر اوله اول تکلیفی تمک که با متوع مصلحت
 ایچوند دیر رسد حکام ظلم و اعدان عصای اکس اتمیه دیو کبار و صیت ایدوب
 اکله با ظواهر منع و تاریب انحرک و خلق سیدر کنده اوزره لازم اولد و ایدوب

خلق دخی لازم اولان بو مقوله اشیا به مبتدا اولی یعنی تقدیرده یوللرده حکامه قرشو
 انبارا بدترک دبا یتیمکد اما هر کس خازنه ناشد رسد اشک حکام اول زمان
 و خود و قهر از **بسته الزام** ملا یزم آیتش اولور **ع** محتسب را مدون خانه چکار
احتمال ثانی بودوخان عند العقل مستحسبه فی جمیع راسه اربابی استخوانند
 قطع نظرا از اخقی و بعد عقل سلیم بونک قبحه حکما بد حسن و قبح با عقلی اولایا شغل
 اولایکی مذهب کوره بید عقل استحقا ننگ شرعی انده معقود و استحقا ننگ
 شرعی انده موجود در اما شرعی معقود یک بعضی نیا نیا اول زمان
 مستحق اولور مشد و اما چون استعمال کبی و حکام بحال عام و دیوانه استعمال
 انیدکی و مساجد و معابد ده استعمال اولند و دخی قبح عقلی اثر **احتمال ثالث**
 نفع و ضرر بر ضرر عاکنه شبهه یوقدر نهایت مبتدا به جوی اصلیه دن اولور
 ضرر بر نظر ایز ضرر بدنی دخی مقرر زیر عموم او زده دخان جواهر هوایی مکرر قطع
 طبعا مضرور نهایت اید فانوس اولان عادت و طبیعتا نید اولور اول جهندن ضرری
 دفع اید و انکاشوقی اید طبیعتک استعمال اعتبار کیفیت در رسید لوده هوایی
 استنشاق حینه قلبه تا نیر مانع اولور اولجا جلدن بعضی بعضی ارزو ایتدکی
 مضر غائی سچندان ضرر ایزر بلکه بعضی ده واقع اولور طبیعت شوق و ارزو اید
 بر قوت کلوب مضی دخی اید بو مقول مورک بدنده تاثیر و تاثیر طبیعتک
 اقباله و اعراضه مو قودر اما رکت دخانی استعمال ایتد و کندن غیر ضرر نا و اید
 جائز و اندن بالطبع مستقر اولر آکا استنشاقی زیاده مضرور تاثیر اید بعد جود
 هوا انسانی مضرندن غیر کتعمال شوندن خلایا کل در طوبت المزاج و یا خود
 با بس المزاج لولا یکی حله مزاج با جمیع متخرف اولو مطلوب المزاج جمیع اولور

الحال

استعمال دخان آکه مناسب و موافقه رانما اکثری به حال پوست اقتضا اید
 و اگر متخرف اولور باخرافه دخی رطوبت جهندن اولور استعمال دخان آکه دوا
 واقع اولور اما با بس المزاج من جمیع الوجوه مناسب و کله یوقستن آرتوب
 اعضا رئیس رطوبتی قورودر کیدر بعضی خلق طو زلو بفر نا قدر دیور دخی
 ایند کله نفع مو هو مک اصلی فضلی یوق لاف و کذا ف قبیلندن برودر
 طب قانونی دائره سنده او غلام **احتمال رابع** بدعت اوطسی در شرع بدعت
 اولور دخی مسلمد زبیر البقیند ره ظهور ایلدی و بدعت حسن قبیلندن قطع
 دخی مجال یوق عقلا بدعت اولور دخی مقرر زیر ادور آدم بدتر و عقلا دن
 کوروش و اشیلش و کله حضرت عمر رضی الله عنه زمانده ظهور اید و بوقدر یک
 آدم قتل اولندی دیکلر نیک اصل یوق اصل تعصب سوز بدر **احتمال خامس**
کراهتیه عقلا و شرعا کراهتیه سوز یوق ظهور قنده بود عواید سلیم و اید
 و کراهت مرتبه سنه و اید مقرر نشت استعمال شرطه زیر دخانک کند و اید سی و
 پراغشک رایج سی فشنده رایج کریمه و کله بلکه اصل جود دخانک ایتد قده
 نوعا محدودن خارج دکل رایجی استنهم اولور اما چون استعمال اید نیک
 اغزنه جربد رایج بید اولور که اینجی کنه نیک شغنی استنهم ایلده رایج
 بخرا که نسبت عود و غیر کله و ز الجده آغزه رایج کریمه اثری ایجا باره کله
 صحن و عر مسق و بر اید اکلده کراهت اولور دخی کبی دخانک دخی نشت استعمال
 آغزه و ثوبه رایج ایجا بایتدکی جهندن مکروه اولور ایکنه دخی علت
 انای مسلمد ر حینه جمیع حرمت نشو اید ازی علت اولور حرمت لواط دخی
 آکه با سابطه نیا نیا اولند دخی کبی علت کراهت ایکنه جمیع اولور نهایت

ترتیبیه اولیٰ کرک و مستند اولیٰ بر این یک کراحتی تسلیم ایستد کلدی نفس
امردن خاجه راجعاً و اولیٰ بر این یکی را غری را چیده ناسا است که ایستد
جائز در جلد و نفس امری بیاند و الا ابتداء باینه دخل و تعرض مطلقاً
اغری غیر زعمی بینه التزام مالا یزعم فیله ان ایدوی سلمه **احتمال سادس**
حرمیدر مجتهد فی اطلاق حکم مخصوصه اجتهاد جائز اولیٰ اصول فقہ کتب بزرگ
مستطوره اولیٰ اجتماع شرایط نظر ایداد لدن استنباط اونیق من وجه ممکن
ایستده اولیٰ بود که حرمیده افتاد و مقیوب اصول شرعیه بر اصول اجابایه خلقی
هر بار کسب او را و حرام اصداردن حیانتاً همچون با حاکم ستمی ترجیح اولیٰ
احتمال سابع که با حرمیدر ظهور دخیان قریب القوه اولیٰ کتب فقهیه و در کجا
مردی مرکور و کلدی را وید اولیٰ اشب اصل اباحه اولیٰ قاعده مذکور کوره صبح
و حلال در برابر سابقه مشایخ اسلام برای مصلحت کراحت و بعضی کتب معتبره
دخی حرمیده فتویٰ و بر دلیله حکم و محرم های اشدی کندی یک است که قطع
نظر خلقی حلاله اولیٰ ندر آن نظر ابواب اباحه اصدی که ایستد فتویٰ و بر
نیز ادب فتویٰ مجتهد مطلقدن روایت ایداد در روایت بونیمچی بر اصل اجاب
لازم کلدی کثرت استعمال ایداد که عارض اولان احوالی مقام چیده و غیره
حرمت و با کراحت ایداد در هر محذور کور عارضه است اعتبار اولیٰ حق لازم
کلدی اولیٰ محذور در دینور خلقی حرام استیله امر او بانی محذور و بر پس
حلی ایداد فاده مبتداً بشفقت و مجبوری و بالندن حیانت مصلحتی دارد و همچنین
ترجیح اولیٰ زیرا چون که اکثر اصلا اسلام هر حال بوجای مبتداً اولیٰ سابع محلی التزام
ایداد بر بر وجه منع و ترک قایل اولیٰ بوب بتون دنیا به یرشده اولیٰ مقول

امردن سابع شرعی نیاید حکم و منفی که نظر حکم و افتاد ایک کرک تا که تفصیل
لازم کلدی زیرا حرمت و کراحت ایداد حکم اولان امرده امر ایجابی و کلدی را وید ایستد
نمانده و بالی بود که و حکم دخی احوال شرعی اختیار ایجابی بر اصل شرعی اجابایه حکم
ایداد یک آن اولیٰ بلکه بر مومنی و بالندن تخیلین چون مشاب و معجز را اولیٰ برهای
اشدی و محرم طبع سلیم در ضمن مستقیم چندی است ایدوی اگر قانون او را و شغل ایدوی
کیف مبتداً اولیٰ رومیه بر کلدی دن اولیٰ ردی لکن بر فرض تمام کورشی دخی ایدوی مبتداً
ملکه استخرجه مالک اولیٰ بوب طبیعت الله هر برده او را رعایت ایدوی بوباید
خلق الله حلاله با بوب رحمت ایداد رحمت ایداد عیالیم اخذ بیده و کلدی است
مقتضی کلدی **فصل ششم** و ایداد هم معاصی و هم مکروه و هم حرام اولیٰ شافعی
و کلدی و دینور تغیر حرمت اعتبار ایداد اولیٰ شافعی نبوت تک شرعی و در در مطلق
کند بیدیه مرکور در شافعی ایداد حلال ایکن بعد الشیخ حرام اولیٰ بر امر در بوند
مسک حاکم اسلام اولیٰ اولان بود که محاکم هر برده هر برده و در دینان چون
اغری مقلد بعلیه با میند نصیب ایداد روقیه باشد با شیشه غرض میری تعلیف خلق
و در دینور شهریه بر مخصوص مکانه بیع اولیٰ بوب حقوق ایداد با بالندن مبتداً اولیٰ
و سویی یک یوز ایداد در حصول **فصل ششم** و ایداد سلطان مرکور شافعی و کلدی
زمانه خلقه غرضی نول ایداد یک ایداد با میند بوب و در قیاس کوب بر نبی کلدی
دفع آید و در مسک اولیٰ محققدن فرات با میند بر زیر ای بر و الیور و ایجابی
اولیٰ ردی بومیه و کلدی بعضی اصل کدی کور ایدوب کند و ایجابی و ایجابی
ایز و کینک دخی مشرب نه موافق دکلر و ایجابی چون ایجابی را قیاس اولیٰ بوب نهایت الهی
محقق ایدوب **فصل ششم** و ایداد حاکم شافعی و کلدی بوب و ایجابی
بید کندن قائل از او بود که بوباید کندی و دخل و تعرض اولیٰ بوب

بحث سادس قوه ده در بو باید دخی سلفه و نجو زاع واقع اولمشیدی
 اصلی بین دباردن ظاهر ایوب و خان کی عالم منشرا و لدی بعضی مشایخ بین
 ملا غفر بنی سکن ایوب فقر سالیله برقع شیخ مشی اولی خلق بون دی کلری حیو
 و کلوب بر لاری کیمی دخی قی و مدب همون بچوری یلشت و سلوک موافق و کسر شهوت
 مناسب بار و بایس غذا اولمده اصل بین بری برندن کور و بشیخ و صوفیون و غیر
 استعمال ایله بلر طغوز پوزالقی حد و زده کیدر ایله در مر کله کده عظیم انکار و انوب
 حرمته قوی و بر لاری باقی اولمده غندن عری دور و جمعیتله ایچلمی شقه شیده
 دیدر **ابو اسعود** دخی مرحومدن نقل ایدر که کتورن کیدری دلد وروب بکری
 دریا غرق اندر دی لکن بو منقر و شد تکرر مقید اولوب و بر یلین قورال و سولین
 سوز و خلک قولا غندر مدی بر قوه خانه ایدر ایوب عظیم شوق و رغبت دره
 کلوب بچیدر خصوصاً کفایا ب کیدری تقویت ایدر حیات بخش اولور
 بر حالت اولمده بر یلین او غرنه جان و بر قتلندن جائز اولی انکر زمانه نکلده
 کلن مقیدلر جواز ایلم افتا ایوب بستان زاده بر عقل و منطوق قوی و بر دی
 قوه خانه لرگاه منع و کاه خفت ایدر بر قی سوزندی بیک تاخیل نه نکلده
 انکار اولمده دن قالدی هر برده ایکن ایچیلوب هر سواق باشنده بر قوه خانه
 آجله قی قصه خواجه کلا ایدر خلق ایشدن او کچدن قلوب کار و کسب عقل
 اولمده غندن غری بازش حدن کدایه و ایدر بری بری کسوب بچکله کلن بری
 مرحوم سلطان مراد بیک قرق ایلی او اخرنده بو معنایه واقعا اولوب خلق
 و نصیحت یوزندن عموما مالک محروسه و قی قوه لر یوز ایوب من جمله حبیه
 دیو فرمان ایدر اول زماندن بر و دارا سلطنته قوه خانه لری قلبدن کبی
 هر براند ر کور و آچیلور امید یلم بر زمان اصحاب یوز بوب قیامت لاری مکر

الکونی

الکونی یوز ایوب غری دکان با بلدی لکن استنبولدن غیر شهر لر و قصبه کرده کادول
 ایچیلور و سابقا نکر اولمده دخی و زده بر مقبول امور منع مؤبد قبول ایلر بونده عقلده
 قوه و کسب و حصفه کله قوه کندی بار و بایس ایدر کله شیه پوتدر و اور
 انسانی نکرده حازه و بایس دیدر کی سلم دکلده نهایت صوبله قیامت و ب
 شرقی اندقه برودت لاکا ایدر بلکه دخی زاده اولور زیر اسود دخی بار در
 انکیچون عطفه دفع ایدر بر عصفه دو کسب یقین زانک حرارت حرارت غریزه
 در تاثر ایلر لکن پوست بر مقدار فوکلور مثلاً کندن او چینی درجه بایس لکن
 ایکیچون درجه بار در طب ایلم مترج اولور **فیوض** • پوستک بر جسمی کیدر
 ایکیچون درجه بایس قانور و بر پوست نو قی ایدر مزاج کوره مطلقا داری
 وار در مزاجه بایس اصحابه خصوصاً سودای مزاج چو خلق مناسب دکلده
 بلکه مخالفه کثرت استعمال سهر و سواس و سوزایه سیب اولور ایچلدی
 تقدیر هر سکر ایدر لکن هر طوب المزاجه خصوصاً نسوانه غایت موفقد
 انکر آخر قوه لر ی چون ایچیک کرک سودای اولمقی شرطیکه کثرت
 انکر مزاج لر **بحث سابع برش و ایون و سایر ملکات استعمال**
 ارباب ایتنا بوسوز لر نه بلادر و بر ایدر دخی چون کده نفس امریانه در غی
 کلام حق و قول و فصل بود که ان نه خانه اوقی و شانه الیق اولان اصل
 خلقی انزده قلوب فطرت سلیمیه تغییر ایدر کرک ایون کرک برش
 و سایر ملکات مداوات قبیلندن اولوب بر غلت و مرض استعمال ایجاب
 ایچکجه عداوتن دوا بیدر لایله لر زیر طبعی سکندر اقتصاد ایدر و کاتدر
 دخی غدا ایدر معالج تقدیم اولور اولی مردن دوا بهار دست ایدر ک قانون علاجه

سوافقی و کلا در قانده قاله یکدایب و اقتضا اید بر رجال بوغیکس جبر و کفنی واردر دیو
 بو مقبوله شیدر اید انس و الفت اولوب بر قاج کره تنا و اید طبعه عادت قبله
 صکره فراغ ممکن اولوب آخر عمر نه دک کردی چکلوب سن و سال زیاده اولوب
 بر کلوب حبث و قیافه کلیب و وارنه بریری بوزطان صورت دونه کیفی نشسته
 بر آنده کیر و کچوب قوی و حواس کلوب و قیافه دشوور کیده ناوله و نه دری نه
 او دیر و نه او باقی مذهب با ولاحسن اختیاری اید بو مقامه اید نکر کنده ویم عظیم
 قدر اینه و کنده شهبه ی واردر بوزنه صکره اگر میسر اولوب بر طریق اید کسید
 بیلور سر عظیم و غنیته قوت اید ملک کر کدر میسر اولوب اید دفعه کسید
 مهلکدر نه استعالی اید روش و شرع ترک مسامح بود و بعد الاکتلا کیده اربابینه
 دخل تعرض محنت و خطا در نهایت سوز حنوز استلا اینه دو شمشیر غنچه
 ایضا و کیدا اربابنک **مصرع** ای بخانه سوار میش بقالانی یقین نخواست
 باز نه تکلیف و برای تولد اکر حکم مصلحتی همچون تنبیه و نصیحت را عطا احاک
 تمره فان ابی فخره **بحث ثامن ابوی رسول اکرم صلی الله علیه و سلم**
 بو بحث دخی صکره را اولوغه باز دی معلوم اولاک اوله بعضی ضانی الذهن پد نوا
 بو مقبوله بحث حاشا شان شریف نبوی ی نقص و اید راجب و اقتضا اید بر علمیه
 مطلق جانز و کل صانوتا اهل حقند و اراد اولان متعلی اهل ایزاد و بو مصلط
 اید سبب باب مطهر حیا ملک مراد اید خبری یوق که علم جواب و سؤال
 و قانون اوزره هر بادن قبله قادر جناب بارینک صفات و افعاله
 بیلکچو هونک بختلر واردر که بو مقبوله انجاث اندر یاننده مضیی اولو علقه
 سعادتین تقاضا شرح عقاید و لوکان فیما الله الاله لافدا نظم کریم

نویس

توحید باری به اولوب بر حان تمام اید شهرت بولوشکیکن بودیل دلیل قانعدر
 توحید و دلیل قطعی اولامزید بکله عصر نیک یکن عالمی باشنه او شوب کفار
 اید بر انک طرقتدن محققله پنج انجاث از اید اید اسکا تا اید بر حصرده ارباب
 قتال سیف و شان اید حایر اید کلری کجی ارباب بحث و نظر دخی قلم و لسان اید جدال
 و دی و ده دن حلال اولدیلر ایتدی بو مقبوله اورد و بحث جانز و کل طرقت ایدن ضعیف
 و احمق بحث فارشمن کرک والا طلبه عاواره ده لکد کوب قبله قال انی یا مال ایدر
 بوزنه نکره مقصوده شرح ایدر لم اول حضرت فخر عالم صلی الله علیه و سلم تاریخ
 اسکندر ک سکر بوز سکان بر خنی نشسته و تاریخ میلاد عیسی علیه السلام
 بشیوریتش سکر بختی یکنده دنیا به کلوب پدری عبدالقدین عبد المطلب
 مکد دن کار بان اید غزیه کیدد بوزنه مدینه منوره ده بر و اینه
 مکه اید مدینه اراسته ابو اده و فاته اینه ی عمری بکر می شش و با خود او تورا
 ایدری زمان و فاته احوال واردر اکثر موصحن فتنه حضرت دخی طوغمش
 ایدری اولانه دنیا به کلدی بعضی ایدی ایدر بکر می سکر تیه و ایدر بر قاج قول نقل
 و روایت ایدر نهانی ایکی یا شنه اول و والدره رای آینه بنت و حب بن عبده منانه
 زوجهی عبد المهدن صکره قلوب ولادت حضرتک در دخی و با خود ایتدی نه نه
 ابو اده و فاته ایددی و بو نکر زمانه زمان جا حلیت و عالم فترت ایدری
 حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم فرق یا شنه مبعوث اولدی زمان دعوت
 ایدر اندرک و فاته اراسته اقل مرتبه و توزیلیدن آرتوق اولد و فی تا تر ایدر
 بولدی بوزنه صکره ارباب جدلک بو خصوصه اید کلری بحث مالکی بر قاج

جواب رسوله که از کبریه لم **سوال** انبیا که والدین و اولاد و مؤمنان اولاد
لازم میدر **الجواب** لازم دکلدر حضرت ابراهیم علیه السلام بدی آنز که
اهل تاریخ گفته بر کسی تاریخ د حضرت توحک او غی کشفان اهل ایمان دکل ایدر
نظم کرمیده مسطر و مقصود اولد و خندان قطع نظر لزوم دعواسن ایدن انبیا حقیقه
جانزات و دلجیات و تحقیقات ندر بلکه لازم کلور بیدر که فکده لزوم دعواسن حکایه
و سیم اعلاز بوجدن صکره حق حق و علی نیک بیجج الحق من المیت و بیجج المیت
من الحق بور و غنی معنی برآمده ده و جابلغ اوزره ثابت اولوب قدرت تاریخی
اقلور و حکمت بالغضی اصدرا ایش اولور و بولور نبوت حرف عطیه الیه و غنی
اختصار لازم کلور بشرط حسب و شب ملاخصی شایسته مجال قاهر و
بخصوص برصاحت عظیمه در که خلافتی شایسته ملاخطه اولان مصلحت
بونک باینده شئی دکلدر **سوال** قبل البعث عالم قریزه وفات ایزنرک
حالی بجا اولور **الجواب** آنز حقیقه انمه اختلاف ایلدیر متکلیفینا انما
واصولیون شایسته و مانا معذبین حتی نبعث رسولا ایلدیر استدلال
ایدوب آنز معذور در معذب اولار د بیلر ماترید بر و حقیقه نظر و کسده لاله
ایله توحید باری ممکن ایکن نرک ایت کار بچون معاقبا اولور د بیلر و بعض
اخباره وارد اولدی لوزن حشره برقی منف اعتدرا بیلر العذر عند الله
و عند کرام ان من یقبون فوالسبحه عذر لری ادشنده مقبول اولور و اول
محمده امتحان ایلدیر شقیب سعیدندن آیریلور یعنی آله امر اولور که کورتور
نفسلری جمعه آیرلر سعید اولان لری تره د آتوب نجات بولور شقیب اقدام

ایده میوب

ایده میوب امری طوئیر نرک یافت و عصیان ثابت اولوب جهنم سور بولور **سوال**
فقه اکبر امام اعظم حضرت نیک دکلیدر **الجواب** اصحاب روایت اعدن روایت
ایده کلری کتب مشاف و روایتده ثابتر وجودن امام ابو طبع بلخی که بوزلفک انطقه
وفات ایشدر طبقات حنفیه ده امام اعظم دن فدا کیری و ابایدی دیو ترجیح ایدر
فقیه تقویم التوابعده سنه مزبور ده اولاسه ابو طبع بلخی بی صاحب فقه اکبر ازوب
صکره راوی تصحیح ایشیم لکن صاحب نسخی انتش بولوب سریزر د اعظم دن بری
کوروب ساکد مزکوره بر طرف متعصب برینه فدا کیری انکار لازم کلور قوی متک
اوزره فقیردن تصحیح نقل طلب ایدر که اصل مصحح راوی اولدوغی و طبقات دن محل
نقلی بازوب ویرشدم اصحاب روایت نیری مقدمین و متاخریندن بچون اصل
امام اعظم د بیلر شرح ایلدیر جلدن قدوة الفضل الکین الشیخ محمد بن یحیی
که لقون بوزاتی اوجه وفات ایشدر او تونزه عزالت و عبارته فکده عقاید اسلامی
یکیدن روایت باعث اولق ایچون فقا کیری شرح مراد ایدوب ابن عی بر علی اندیک
بر کلی محمد افندیک بیدریدر بویا بیدر اندر بوشورت ایدر که اسحق و ترغیب
ایچکله بر شرح حنفیه و مقبول خبر ایلدیر که الان بین العلما شد اول و مقبولد را اما مالک
دکلدر دینرک سونی باطل و تعصب دن ناشی نفی صرف و دیلر و عوار بعض
واحی قرارتی کوستر رن فیه شاد کچی مرده اولد و عند کاشیه بوقدر **سوال**
امام اعظم حضرت نیک فدا کیرده بچون د اولد رسول الله ما کافرا دیدی **الجواب**
شیخ ما الدین زاده و میشد که بوسا رعقاید دینیه ده درج اولد و غل
بعض کس لکرم حکمی بی ابون حقیقه نفیل افراط ایدر بولور افراط و اعتدال

تقدیم آید بر بعضی از سبب نزول و بونی یاری وجه ثانی بود که اوطاف حقه
 نازل اولاً علامه جارا لد و غیره بوجهی روایه برکن شیخ عبدالقادر جرجانی که
 شیخ عزیمت در نقاشی نقل اید روایات مختلفه ثانیاً اوله فقا البشیریهما
 جمع اولین لازم را بدیهه گویم برستخمس حقه نزول آید یابده اجماعه معنای عامه
 عبرت عموم لفظه در خصوص سبب دلیل پس لفظه شریکین و اولی القری عامه را باده
 عدم و غیره شامل اولور دیو جمع ایدی شیخ محل مقدسی احیا و ایمان ابون حقه
 روایت اولن حدیث صدقنی زعم ایدیه بآینک عدم صدق لازم کلور زیرا
 نسخ انشاء احکام حصایه ندر اخباره جائز و کله در سبب نزول حکمی اید
 حدیث احیانک عدم صدق حکم ایدی صاحب ملحق و غیره دخی بوسلک کتب
سؤال بوباده فی لغت این از پنجون اید **جواب** امام قطبی ندره سنده نقل
 اقوال ایوب بعض حدیث که تحقیق و جمع تدقیق سبب تقدیر بر غیری سبب اولی
 مورد نقل اولن دروایت نزله ظاهر بی باز و بکر ملک رساله برحق تحقیقنا حانی نقل
 و تعلیده سبب اولی کیبی دخی افراط و تعصب را باندن اولوب یازد دخی ساله یه
 بقمدی و سوسله و غی سوزی قولای شیخ ایوب طریق نظر ندر خارج و کسنت حصول
 دور مغایر ایزاد ایدی و اهل قنده حیرت اشتهار و اعتقاد دور و مجبور اولدی
 پنجوسی دخی حسن ظنه رعایت ایدوب ادب بنا بر ایمی واهی سوز نقل ایوب تحقیق مراد
 اتیدی کمال باشنا زاده افندی کیبی جمله سنگ ملاحظه سنده کوره اثری و جمدن حانی
 اولدی **سؤال** بوباده اولی و لایق ندر **جواب** خواص علل از خلف اصلنی
 بایوب تحقیق قادر اولن لادی و لایق ندر بیلور مرویجا ستر رسا ایدوبوب
 مقتضای حال کوره حرکت ایدر لامع اعمام مؤمنیه لازم اولان بود که بوباده دم

فی

تلاک خروج اولد و ندر اولد و ندر حقه افراط و اصول اسلامه حقه تقریظ
 اید ندر ایدر ایچون اصول دینه قایلوب نقد اکرده درج ایدی امام فخر رازی
 تفسیر کبیر ندر ذکر ایدیکه اوزره سلفه در افض عشره عصمت و عواسی ایدی
 کیبی بوافراط دخی ایدر ندر صار اولشیدی مسکله اصل سندن بخور ایدر تعلیه
 ایدر **سؤال** کفر حکمی ندر **جواب** کفر ایمان ایکی امر باطنیه ندر که اللہ تعالی
 کسنت مطلع اولمازالا امارات ظاهره ایدر بیلور امارات کاه مدلولاتن مختلف ایدر مثلاً
 مشافق امارت ایدر ظاهره مؤمن حکم اولور اول ایدر ندر یکسنتک و قاتنه کفریه
 و ایمانه قطع و جزم بحال بود ندر حقه نقص وارد اولش اولانیر ایچون مؤمن سوء
 خاتمیه بطل اولور کفر ایدر کفر و نیجه کفر حسن فائده نصیب اولور کفر و ایمان حقیقی
 بومعقوله قلبه مستور اولاندر لکن حکم شرعی امارات و ظاهری اولی اعتبار
 اولور یکسنتک و قاتنه کفر ظاهر حال ایمان ایدر احکام ایمان اجرا اولور اکره مؤمن
 حکمی بر لیر و اگر ظاهر حال کفره دلالت ایدر احکام کفر اجرا اولور و کفر حکمی نیلور
 پس کفر ایمان حقیقیان حکیمان اولوب اکره تانزم بود ندر ابون حقه و حکمی ایدر
 حکم مقرر لکن حقیقی بیه موجب یقین نص کر که در نص ایدر اولامد بر پس
 اندر حکمی منزله سنده قائلور بوسیق شیخ با الدین زاده ندر امام شیخ علی مقدسی
 علامه معروفه در رساله ایدر عالمان لایق والذین استوائیه تقدر المؤمنین
 ایتیک سبب نزول سنده مفسر ایمی وجه ذکر ایدر بر کج که بوايت ابون حقه
 نازل اولش اولامفسرین و محدثین دن جمع کثیران عبا سندن روایت نقل ایدر کفر
 تواتر مرتبه سنده ایدی اول ایدر ندر امام فخر رازی و متاخرین تحقیق ندر فی بر لیر

اور میوب سوز سولیدر حسن نطن اوزره اولوب وایمی وایتده کوره ایون یونین
اولوق اوسولور دیر ترک ادب ایدوب کافر اسمنی اطلاق ایدیر زیر احاشا یونین
ایله اگر اهانت قصد ایدیر عظیم خطا در ائمه خاندان دن این قدره مقنع نام کما یز
فرقیقه خارجیه به مقارن اولو دیر سبب بنی حکمنی ویروب قتل دنور دیمشدر
ایمدها ولی بودر که بوجده ناساک و نجاشی ایدیر لکن سوز و مزاجه در خاصه وکل
بحث ناسع ایمان فرعون مجید فرعون غفلی مصر مملکتی ملوک اطلاق دنور
لقبدر سلفده مصر بادشا هت فرعون بر ابراهیمی حضرت موسی علیه السلام
نوحه شده پادشاه اولان طایفه اهل اسلام موخری ولید نسبه ایدر فرعون موسی
دیکله سیار نرن ممتاز اولور فرعون دن اوجی پروانده بیر سیاه عالم جبار اولوب
اندرک سولکس و آخری فرعون موسی ایدر قصه سی سیر و توارخده مشهور مسطور در
بنی اسرائیل جور و تم اوزره اولمخده یهودا راسنه شقا ایلد شهرت بولمیشدی
ملت اسلامیته ده دخی کدک دعوائی الوهیت و جودت ایلد مشهور اولوب مقام ذم
وعتو و فساد ده لازم کلمه فرعون ایدی در دیکله ضرب مثل ایدر تغایر تواریخده کفر
و ضلالت اوزره یازموب جمیع ماول و قدر احوال و احوال و احوال بنی عربی
حضرت نری کنده کشفی و دخی اولور اوزره فصوص نام کما یزده فصوص سوره فرعون ک
ایمانی و نجاشی یازوب دعوانه نظم کریمدن قارانت لاله الله الذی امتت
بنو اسرائیل و ان من السالین فرعونک ایمانه نفس مر جرد و حات غرق حات
احضنا بکی دکله کما ایمان یاسر اولامکره الان وقد عصیت قبل و کنتم من اللذین
ایمانی اول زمانه تاخیر ایدر و کمنوع عتایدرم قبول دلائلی یوقدر بقدم تویر جرم
القیته فاور هم الذی اعد ایمان اقصا ایلر فالیوم یجیلک بیدک لکنو نزلک

ایجتیجانه قصد بولکون به نظر بزرگ بجات دیور ز ساحل اقیانوس در و کد دخی فرقه
نجاه دیور در کما یز سنگ خلقه اولان قدوس بنیم قدر قریب عظیم اولاس ویرکسته خشتا
نامید اولمبه دیو سوق کلام ایدر کد فکمه و الاوریه فی السلام استقر فی نفوس عامه
الحق من شقا و مالم من نفی ذلک لیستندون ایدر یلدر شایع فصوص ایدر شیخ
وارث کامل محمدی در کما یز کلین فصوصی حقیقت حال اطلعه فکمه اسنه لال صورت
ایراد ایدر ارباب نظر و استدلال ایلیم فصوصی و دلائل ایدر تحصیل علم ایدر و مدعا کار اوز
فصوصی ایدر ایدر ارباب نظر و استدلال صورت واحده اولمخده وارث کامل محمدی
و استدلال فصوصی ایدر ارباب نظر و استدلال صورت واحده اولمخده وارث کامل محمدی
بعضی علما بوجمل سیسدر بر هودی و احوال بنیه در دیو افترا ایلدیر و باطله خلق یوز
شیخیه دخل و تعرض ایدر نه و کتب مور و زنجیری باشند اوشه بیلر لکن شیخ دیو کما
کیمی قطع و یقین افام ایدر بر سنده بولما دیر ایجتیج بین الامم مشهور اولان شقا بنی
یازد دیر و جز دیر شیخ فصوصی کنده کشفی مقصدا فی یازوب طریق نظر و استدلال
محققله دن علامه جمال دوانی دخی بوباید بر مستقل سال یازوب قواعد اصول اوزره
فصوصی دن استدلال ایدر شیخک مدعا کما یز اثبات ایلدی کیمی بر دخی قول ایلدیر بوزمانه
کلین سورنری **بحث** بودر که بونک کیمی دعوایه طریق نظر ایدر تصفیه اراسی
اولا فرقی الیقین کر که در طریق نظر ایدر عقلیه و تفکیک ایلد استدلاله مبتدیر طریق تعقیبه
یقینت و سلوک ایدر کشف و مشهوره مبتدیر ایدی سنده شقه اصطلاحی واردر
و بونک اصلی بر طریق قاعده و اصطلاحی اوزرینه با اولوب سوال جوابه طریق عرفانه
و اصطلاحی طریقه نظر و اشکات اولان ق کر که در تکرار خط مسائل و تشویش دلائل لازم
کامیه جلد بونک اشکال بخنده مبتدیر نزاع و جدل و مثلاً قبول و عدم در نظر و استدلال
اصحابی کدوقا نولری اوزره طریق تصفیه اربانه دخل و اعراض ایدر انکرک طریق ایدر

طریق نظر و استدلال و کشف و جودانه سببی و اصطلاحی حکمت اشراقی نام خود است
اصطلاح حد کشف و جودانه شرعا دلیل اولوب طریق نظره در دعوی اثبات یا بطلان است و در کتب
حجت اولور اولیا الکلیک کشف و الهامی کند و بجهت اولیق طریق نظره بیکسکه موجب
ایدعل ایدر ایدمدی طریق تقصیه قواعدهی اوزده و سواق و اثبات دلیل دعوی طریق نظره
اعتراض او غیر اوسلوا لیسیم کرد اول طریق قاعده سید و اصطلاح اولیق کرکره بود باده
معترضه هر چه طریق نظر و استدلال ایدر اعتراض ایدر را بکنجی وارد و سماع اولمز
مع هذا بود مآوده و دعوی شیخی اثبات ایدر نه که جلال طریق نظره قاعده سید
استدلال ایدر بود مرتبه لم معلوم اولدو تفکره برکته بود باده نزاع ایدر ایدر احق
و کلیدر که با کجی تعالی کجی حقیقتی منوع و دروغ ایدر فزونک ایمان ندن ناکانه
مزدوار و کفر ندن نه فائده حاصل اولور علیه بود باده دعوی انچه را مقام اچون
و جوی وارد زیرا اندرک آبا و اجدادی ذیخوندن حقوق ستم کور شد را ماعیقلت
اصحاب انده تابع اولماک و جوی ندرا ایدمدی طلبه علوم قوالند اولی بود که بود باده
فرعون مؤمن دین را ایدر ده دیندر و خصوص شیخ و فعل و ترصده اولمه لر حده اوسطه
بجانبه لر **حجت ششم شیخ محمد الیرینی** شانه و اقع اولان اختلاف بجهت
بوجبشی درت کلمه ایدر اولی **شکک اولی** شکک ترجمه یعنی تا تجدید که نامی
محمد ابن محمد بن علی بن محمد العربی الطائفه النعمانی اندلسی المرحوم الملیکدانه لسنده
اقی ذکر نکرده مرسیب نام شمرده بشیور انکشی معنائک بکرمی بیخی کونده
و بنیایه کلوب دمشق شامه صالحه نام نموده البتور اوزر سکر ریع الاخریک
بکرمی بکنجی کوز و فائده شایلی سخی تمسک بکرمی اولوب مغرب دیار ابن کزوب
تحصیل علوم و تکمیل منطوق و مضموم ادوب سلوک و مجاهد مایه مراتب عالییه
نازل اولدی بعده حجازه کلوب حرمینه بنجه مدت اقامه تفکره شامه و ادوب

افز

وفات ایدر ایدر قادی عفرینه کثرت تألیف و قوت قریب ایدر شهر اولوب شیخ المکر
لقبی ایدر شهر بولشی ایلوزر کتب و رسائل تألیف و توفیق اولوب و شهرت
و حریت وجود و طلق مسکنی اختیار ایدر بوضوح فوحت اشیای کما بده و اردائی اولان
مسکن اصطلاحی اوزره فلو کوردی و علوم غریبه دن علم حروفه جفر کبر و مغف جفر
تألیف و تحریر ایدر اصطلاحی اهل عصری اوزره تفوق و تفراتیمشی مشایخ کبار دن شیخ
صدر الدین قوی کجی فرا کلوب کند و اردن قلعه ایدر یلر و اکثر ائزده جلی سمعی جلال اوزره
رایج اولمخدر مکر کلک کیشیل و قائله مؤدی اولوب شانه خلق اختلاف دوشد باده
کلمه ثانیه شیخی رد ایدر نه در شیخ انتقاله تفکره طریق تقصیه اصحاب دن بعضد
و طریق نظر اصحاب کثری و حریت وجود اصله با طریق تقصیه اصطلاحی اوزره
یا زود شیخ کما بده طریق نظر کوزی ایدر با قوب انکار ایدر و انکار کرمی و وجه کل ایدی
زیرا طریق نظرقی نوزده کوره مشکور دینوردی اول جلین بولر کجی قبول ایلیم
انکار ایدر انکار ایدی رد ایدر مقیده اولدی کجی دخی انکارده امر ایدر ادوب
دور یا زدی و جوی ایدر شیخی حتی بوزده تقصیه شیخ المکر شیخ المکر
تحریف ایدر لکن بحث سابقه ذکر اولدو لقی اوزره نزاع و جدال اصل فاسد اوزره
بناد اولمخدر عنده تحقیق انکر تجا حیل و انکاری صریح و وطنین زبیب ترزنده
کوردی اهل انصاف اعتبار و انصاف ایتیموب و کلک براجن یعنی بسیار دن فرق
کسته لر اندرک بایغرا سنده الدانوب اوزر زنده لازم کلک لیکن سؤ فطن ایدر بجهت
گیرد باده ایدر اظلم نحو بجهت باعث اولدو نه دخی زیاده و بالین غیری ستم کور مدله لر
کندی طریق قانونی اوزره مخالف کوردوب خفیه ایدر قاعده ایدر فتنک و طیفه
ادایم یوب و باده کرمی بلکه مشاب اولدی **کلمه ثالثه** شیخی قبول ایدر نه در طریق

تصفیه باینک اکثری و طریق نظر ارباب بدن برزقه که شیخ کلام مشک نشانی و اصلی ندر
 بیلدیر با خود ظاهر حالت نظر ارباب حسن ظن ایدوب اصلا انکار ایلدیر و جمله سوزاری قبول
 ایلدیر حتی بوزقه دن کیمی شیخ حاتم الاولیاء و وارث خلافت محمدیه در دیدی طعن و تنبیح
 اربابنه در لریا زوب تصفیه ایلدی یکی طرف دخی افراط و تفریط ندر نهالی اولدیر لافا حیرت
 وجود سار سنده شجرتان صکره کله ان کثر شیخ صوفیه شیخ تابع اولدیر نظر و تصفیه
 طریقی پیشه جمع اید ندر دن محقق ساری مولانا جامی بوسالک بی بر سر سارده فصل
 و مشروح تحریرو بیان ایدشد مراد ایدر که مطلق ایده **لکه ارباب شیخ حقیقت**
 توفیق اید ندر و در زکراوان الی طریق اصحاب ندرن بوزقه شیخ شانه توفیق ایدر
 کتا بلیه بقدر یلر و قبول ایلدیر مقید المیوب کث اکثر و طریقه سنده او غرض ندرن توقف
 کن رنه طودریق یکدر سلامت آنده در دیدیر و بولندر اصابت المیوب هرگز کور میز
 نفسنده صدر الدین قنوی حضرت یزید و صیت نامه سنده مستقا و اولان دخی بودر
 زیرا انگر بزرده نصکره و شیخک و بزم کتا بدر میزدن هر کس کشفاده به هوس ایلدیر
 زیرا اکثر ناسدن اول باب مسدود و در بر وجه و حسابا سندن قیلشد ایددی طایفه
 حق کور کدر که انصاف ایلدیر اگر تو امض کلمات مشایخی فخر مرتبه سنده و کلام ایدر
 اول مقام ندرن دم ایدوب کندی بی شک و شبهه ایلدیر داخل و تفریط و در طریقه ندرن بوزقه
 شیخ حقیقت محسن ظن اولی و در ایددی و کتی تقدیر و جرم و ظن مسکنه کتیمه ندرن ندرن
 حاله لایق اولان بودر الله سبحان و تعالی حسن ظنه موفق ایلدیر **بجای حادی**
لحن بن بدیشیه بوجک دخی مکره آرا و سایر ایجا ندرن قدیمه دخی نامه و الی
 و سنی و شیعی مینده سایر و دایر اولوب سارلده مانده ندرن سوزنور اصلی بودر که
 حضرت فخر عالم صلی الله علیه و سلم بعثتی ایدر دولت اسلامیه ظهور ایدوب دین مبین امور دخی

بمختصه

تمثیل طرح اساس این دولت اقتضا آنکه کند و لری زمان سار ندرن نبوت ایلدیر
 سلطنت مینجی جامع اولدیر الحاکم و بعدی ندرن سوزنور قادی اوزره او تونر نه
 خلفه و راشدین ایدر ای حکام دین ایلوب مدت خلافت تمامه نصکره شمر یکنون ملکا
 عضو ضایع و سوزی دولت طاب لری حکم غالبک قضیه بی عمل ایدوب حرکت کلید بر غرض
 بللی صورتا بعضی امور دخی متعلق دعالیه یا بشوب اولدیر هائید حضرت عثمان و حضرت علی
 رضی الله عنهما عصر ندره بجز ندرن عدل و حکم اولوب متعبد ندرن شامده بنی امیه دخی قلیوب
 ایلدی اهل اسلام ارا سنده اختلاف بوشوب فرق فرق اولدیر دولت بنی امیه و بنی هاشم
 اراسی نزاع اوزره غالب حضرت امام حسن خلافت دیو سندن فراغت ایدیکلر
 بنی امیه ده قرار ایلدی لکن بوضع بنی هاشم طرفه غایت کران کلوب جیکر اولدیر
 هاشم شکل اولدیر حضرت امام حسین مدینه دن قالدیر و رب دولتی انتزاع مصلحتی
 عرق غریبه کورد یلر بنی امیه طرفا کاه اولدیده اعوان انصار دخی هر حال اوزره
 مذا فحیه قائم اولدیر و کربلا و قدسی ظهور ایدوب اولام امام حسین رضی الله عنه
 و اتباعی شهید اولدی و اوقهر مژگوره هجره تک انقش برنجی یلنده اولوب اولان
 شامده ندرن بن معاویه بادشاه ایدی بو خصوص بنی هاشم دخی دوزن اولوب سنف ایلدیر
 ایدر ان مقام قابل الیچین لسان ایدر بزرده و اتباعه شتم و لعنه باشلیوب انکله تنقی
 عیظ ایدر لری شیعه ارا سنده بو ماتم و لعن اول زماندن عارت قالمیسه کبر
 سنده دخی سرایت ایلدی یوز اوتوز ایلر سنده بنی هاشم دن العباسی ظهور ایدر
 بنی امیه استیصال اولدیده سب و لعن آر توب شیعه لری دخی بنی هاشم رفقه تابع
 اولوب حاشا شمش بنی امیه کتا باشد یلر حضرت علی و اولاد علی حقیقته خوارچ نظر
 ایدیکلر کیمی روانظر افراط ایلدیر العباسی جعفر ندره اهل سنت عباسی ایدر علیا شیعه
 مابینده بر باده نیچ قیل و قال اولدی عقاید اسلامیه یا یلوب اصول دین کتا بلی

حکما

تدوین اولیوب صاحب کرام حقنه عامه اصل اسلام واجب اولان اهل سنت اعتقادین
 بود بیان ایدلر که عموم اوزره حجاب خیر اید ذکر اولان و شره متعلق کلام انک حقنه
 لسانه کلیه وجهه حسن نظر اولیوب ارا رنده واقع اولان نزاع وجدال حقوق و نه
 که اندر حله مجتهد اردن مجتهد خطایک جابر در اصابه ایدر ایدر خطایک ایدر ایدر
 بر ایدر وارد عین ایدر ایدر خطایک جابر در اصابه ایدر ایدر خطایک ایدر ایدر
 دینیکه معاویه با حجاب و ده خطایک ایدر ایدر خطایک جابر در اصابه ایدر ایدر
 اختصار ایدر ایدر خطایک جابر در اصابه ایدر ایدر خطایک ایدر ایدر
 ایدر ایدر خطایک جابر در اصابه ایدر ایدر خطایک ایدر ایدر
 سنت علی ایضا دینی برید فاسق و کافر در کفر بعض شوی دلالت ایدر دینانده
 تابع اولان فقیه شافعی در بشیور در رنده وفات ایدر ابوالحسن علی بن محمد کرام
 و متاخرین سید الدین تقی زانی ایلی مالک اهل سنت مجتهد ایدر امام غزالی
 جواز نه مفصل فتوی و ربوب شیخ ایدر کافره و شیطان بیدر یکسنت اهل سنت
 اولی در دیدی و امام سراج الدین علی بن عثمان اوشی دینی اصول دینده نظر ایدر
 بقول العبد فقیه سنده ولم یلعن یرید بعد موت دیدی بوند هرکه خلق اگر
 فرعون کبی سؤ ظن و شقا ملا حظرت روح بولوب بر شیدی و مقام شتم و زنده
 یرید فلفی قرب مثل و مستعمل اولوب غرض ایدر قطع نظر جرحه و تقلید محضه
 لا لاجب علی ولا یفرض معاویه اکثر خلق لعن ایدر اولدیلر نه امام غزالی سوزی
 قولاندر کیری نه بقول العبد تنبیی کشندیلر حتی بر زبایم مقول سوزی شنی من
 معاویه بیدر لعن ایدر دین مایه ایدر ایدر بوبله نزاع بیعنه در زیر اصلی
 باطل انصاف یا خود جلاله تقلید به منبر نهیت طالب حجت اوسط اولان
 گمنه بغیر اهل سنت علای مسلکی اختیار ایدر دین امام غزالی قوا سیله

بین

عمل

عامل اولور و یک سیدن بر و کجی معنایه قایثوب سپوره حماقت ایدر
 مزبور فتوی و فیات بن خلکانده حرف عینه کبا هر کس ترجمه سنده مسطور
بحث ثانی عشر بدعت بخند بدعت اولد که امور دینی و دنیوی
 صدر نایند با دخی هرکه ظهور ایدر حضرت پیغمبر علیه الصلوه والسلام و اوصی کلام
 زمانده اولیوب است قولیه و فعلیه و تقریه دن بری ایدر که اشارت اولمیه و
 حقنه اثار دخی بولمیه بوقوله ایکی مصدر برینه بدعت حسنه دیر اولی زمانده
 اولیوب هرکه اقتضا حبیلده ائمه دین بخیر ایدر کلام و مناوله بناسی و تألیف
 کتبکی برقی بدعت است در اعتقاد یا نه اهل سنتن غیر فقا
 حناد عقایدی علمایه خلق کند و زعمی عبادتکار اختراع ایتمک کبی و بولمیک
 هر رینک اهل کتب غیر عجمیه و مفصل و مشروح یا زنده بر تانی بیان
 مسدنده و کیلوزا بجای انی ذکر ایدر که بوجه بدعت برین الناس عروقه عار
 بنیدر بر بدعت ارا سنده بر شوب قرار داده اولد قد نصهره امر بالمعروف
 نهی عن المنکر و ربو خلقی من ایدوب اندن دوند ملک آرزونده اولوق
 عظیم چاق و جردلر خلق مانوس و معتاد اولد و معنای کرست اگر
 ترک استیلاز مکر بر صاحب سیف جلدی قتل ایدر مثلاً اعتقادده اولان عید
 ایچون سنی پادشاهلر چنگل و قتل ایدر اولدی علمایه اولان بدعت
 حقنه دخی هر عهده متشرع و متقی حاکم و واعظلر پنجیلر نصب نفس
 ایدوب خلقی بر بدعتن دوندوره مدیدر ایدر خلق عادتلر ترک استیلاز
 مهر نایسه الا ماشاء الله سوریلور کیدر حاجی حکام اهل اسلام نظامی حمایه
 و شرط و ارکان اسلامی جمیع برینده محافظه لازمدر واعظلر دخی عزم اوز

مطل

خلقى سسته ترغيب و بدعتى نيز بايد و رفق و عطف و نصيحت بايد القا ايدي چنان
 اوزر لرزه لازم اولان و لطيفى ادايشن اولور طرقي خلقه اتقور كوجله لوتور مق اولان
 و بلبلد بو باده تعين و تدقيق مفيد و كدر زير اصد راولد نكده كلال عهده هر
 عمر ك خلقى حالتى سسته تطبيق و تدقيق سسته رقى ميبه بو لوز انصاف ايوب
 هر كس نفسى بوقله سسته اتبا عدا اصلا سست بولنماز اكثر از مازه صادر
 اولان افعال و اقوال بوجله بدعتى سلم و كلمه ايموى كمال كرم حضرت شفيع مرتزا
 متوقعه كه بو ضعيف بچاره امك كثر بدعت جرايمه با قميوب مؤمن و حجه
 اولد فدي جصلى باعث شفاعت و سبب غفرت قبله والا كمال مرتبه سسته رفا
 و اتباع تكليف اولور حال مشكله الله تعالى عنايت ايله **فصل ثامن عشر**
زيارت قبور بچه ر اهم سالقه قابر زيارتنه زاده ا هتتام و رعایت ايراز
 برواينده عبارت انا مك مبدائى و منشائى بو اولدى اسلام فليور نوز بر زمان
 حضرت خمر عالم صلى الله عليه وسلم بو محمد زيارت مطلق زيارت قبور دن منع ايمشلا ايدى
 صكره كيرد بخير ايوب كنى نيتكم عن زيارت القبور الا ودها بيو رديار پس
 زيارت قبور و سون يدعا مشروع اولدى نهايت حسد و استداد و ده در بو خصوصه
 علماء اسلام اختلاف ايد بل بعض مشايخ اذ اخير تر في الامور فاستقنوا من اهل القبر
 ديو استغاثتى و استمداد بخير ايدى و ديه كيه روهك بدن تعلقى چيندن قرايم
 دغنى هاتر قسى السك و كدر كيا ر قورنه اثر روحانيت و ارد ز سايبر رده اولان توجه
 و دعاد ان ايد رده روحانيت ايد توسل اولى در كور لمي كرم شايخ نقشبنديه كيا رنه
 بعضينى بعضنك قيرنه لازم و روحانيتن اخذ و تلقى طريقه تاييده اقا اكثر
 اهل شرع استمداد و اعانت بخير نيز علما ر ضاى عنان اولور سلفه ا هتتام عبارت

لا معادن

بو معادن ظهور و نشأت ايدى اولان اينا و اوليا ارواحى ايد توسل ايدى بركيه
 صور تيرن يا يوب بؤلا و شفا و ناعنه الله ديو طابديل عبه قور دغى بو معادن
 قبر لرده معنك اولوب عبادت ايد ر در بو مطلق استمدادى منع ايدى بو معنك رده
 كور لمي كيه حضرت ارايم عليه السلام نار نوره العا و لوز ايكين جبريل امين كلوب
 حاجك دارمى در ديكده اقا ايك تلا و بو جواب و ردى ديكه سوال ايد و بچك
 عبد بجالى حسبي عن سؤالى ديكده عرض احتياج و دعبيله ايدى ايمدى بو خصوص
 خلقه توحيد قاعده سنى تعظيم اولدى كره كه خلق حقن غيبدن استمداد توسل
 ايلمير و ابتغوا اليه الوسيله دن مراد طاعات و اعمال صالحه ايد رديار حقيقى
 بوزمره دن ابن يثيمه افراط ايد و حضرت رسول كرم صلى الله عليه وسلم كيه شريفى
 بيله زيارتن منع ايدى حضرت عمر كيه استفساره قبرى ايد توسل ايجيوب حضرت عباس
 كنه روب اندرا ايد توسل ايد كلى احيا ايد توسل اولى اولد و غنه دليلد ردى بو باده
 و رفق خصوصه مزبور ك اخلاطى باعث اولوب مهر و شامده علا باشنه او شويچ
 بخجل و مهر با دش حى حضور رده دعوا ر ايد بل خلق ايكى قره اولوب ايكى طرف دن
 بچر رساله لر يا زويلر اين كيشه و ابن قيم انك شاكرد لى ايدى تا بظانده بو بخشن
 اشباع ايد لمير مخالفى ابن يثيمه بي اكفار ايد روب بالاخره حبه قور ديه بوز
 بكرى سكرده حبه و دفات ايدى پس بحث زيارت منافع فيا اولوب ايكى قره
 محاكم لازم كلى **اولا محكم** حد او سطر اختيار ايد روب دليلور كه ارواح
 ابدانه و قبور تعلقى و قايقتى بيلوب متاثر اولان و ساير امكندون انده ايد
 توجه و دعاسنه فرق بولان شر و ط و قيود ايد توسل ايد رنه كيم بعض مشايخ بظن

انکه ترک دگر توحید در توحید ده دخی مراتب وارد حضرت ابرهیم علیه السلام
 توحیدی توحید هر قدر بتقل الی الله بشرا شرع ایند رسید به نظر اکثر ائمه قدس
 اربابی اولی در اعانتی غیر تبارک الصبی جل جلاله دفع دمنده روحانیات و جسمانیات
 اید سبب و توسل اید را رسید به عبادت قصدی او یعنی ترک لازم کلوسه
 امکان اولی و لازم اولان بود که زیارت وارد قلند فاتی او قیوب نوبین فرا صاحبی
 با غشقی اید انکشاف و نوب بر غیری فکرده اولیه نه قری او به نه باشد و زیارت موصوفه
 مطهره به میسر اولوسه مناسک کرده باز یلان اداب اوزره مولویه شریفه الی قاضیه
 طوره کو کلون توحید تام دعا ایدیه شک به یا پیشوب یا او بیکله ادب سرنگ المیه
 اداب شریعت مطهره بود بر غیری کونه حرکت هر منکره دلالت ایدر دیر یل اولی
 بود که بمقوله مخزنه را نه او غنائیه برکنه اول اصل ایدل ایل ایل واحد تقرب ایدر حاضیه
 بو طریقی ایدل یکی طرفک افراط و تفریطه اعتدال کلوسه نه مطلق خلق زیارت نه منوع
 اولور نه قیودن استیاده و اعانه مطلق اجازت اید عوالمه ارضای عنان بولنور اما فاکیه
 بین الناس مراره چراغ و وضع اولوب سوان و اطفا و عقول ضعیفه اعیالی
 رجال واروب محقره به یوزین و کوزین سوروب چراغ یا غیل یا غلغلی عبادت
 ایتشدر در قرانتی غمز و مقبره بکجی لری دخی انکه کتور اول باده انکه ایدل نزاع
 وجدال حماقتیه ای مفید اولماز بله کلندن قائله قیودن غیری بولدره بعضی
 اولوا غا حله ایدل با علوب بعضی اجماره اعتبار ایدیه بهایم مقوله سید
 جسمانی مراد ازین غیری و اسود مجر الاسود و نه غیر هجر و شجر نظم و ذکر سیم
 اولینق بو قدر انده بیج حکمت وارد **بخت رابع عشر جماعه نوال در غایب**

در غایب

دبرن و قدر غازی یحیدر معلوم اولد که مطلق صلاه نافله ده ایکی
 نوع غازی دخی نافی علی سبیل الذی جماعه خلق مکروه در دیو فقها
 کتب معبره ده فعل و روایت ایدل لکن تاریخ هجرت نبویه دیتونه ایدر که
 قمریه رغایب غازی ظهور ایدوب خلق رعیت قلمغه با شکر بر صکره برات
 و لیل قدر غازی جماعه قلمغه با شنبوب عادت اولدی قالدی بعضی علما
 بدعت در جماعه نافله مکروه در دیوانه ایدل مفید اولوب خلق طاهر
 زیاده اولوب استقامت اولند قد متابع اسلام کاه کاه کاه کاه کاه کاه کاه کاه
 قبله لری بیکله قوی در بر و عادت قلمغه نمی جاننده اولمغه شرعاً و نه
 اعتبار اولوب قرار داده اولمش بدعتی و یا مکروهی مغد ف و مقرر اولمغه
 احسن ترین احتیاطیه کوره قوالی در بر حکام دخی ای مفید اولوب
 مفید اولدی قلدی تقدیرده خلق مجموع اولوب قلدن بیلوب اعی ضایع لری لکن
 بو خصمه صده دخی خلق نقصه دو شوب ایکی فرقه اولی بر فرقه افراط ایدیه
 قلماسی بانه تشدید و تعلیل ایدل فرقه دخی تقریط ایدوب البته متعلق
 کرک دیدی ایکی طرف دخی اصابت ایتوب اعنة الدن خارج اولدی
بو باده حاکمه و حد وسط بودر که قلمغی و قلمغی بر ابر اولاد ایدم کرتیه
 ایدل قلمه یا خود استمرنه خانه سنه با نسو نمازنی قلمه یا خود یا لکرتسو
 قلمو مسجد واره قلملر ارا سنه بولنور سبب جماعه مخالفت جماعتی
 ایدوب پیچوب کتیه انده نذر ایدل یا نذر سن قد دخی مخالفت صورتده پیچوب
 کتدن یا خود او تور مدن یکدر اگر متعلق ایدر لکن عرف تعصب حرکت کلوسه

ظلت کبر و کین بهر بصیرتی بود برست اعنة الراضح ایکن گوهر نور افراط طرفه کدر
 کینه ز غمی کانه بر مغفول ایشان ایشان اید در دره منک خبری یون که دروغ باردار شدی
 اید غنچه رسته سخن اولوب مغفول خلق و مرد و جن از حق جز اینست استفاده
 پید اید بهی ابد اولوب کجی نمازی اوده قبلک اولوب بار و منوع نام هوای ایلک
 نه لازم معلوم عمر نه جلد نمازی جماعتی قبلک یا خود سجده سایر اصل سلام
 اول نمازی نیلک بر مکرده ارتکاب ایلک نمازی اولوب سر مکره بار اول و افعاله
 کراحتدن سلامتی دارد بلکه احوالکی انصافه شرع تطبیق ایلک جو غمی مخالف
 بولور سن سنگ شک فاضی زاده اخذی احیا علوم و رستی اوقه و بوردین
 ایکنی کینه و مرکب غریبی و ماهیبتی بیلکی استفاده اید در دیو کسور قصور نه افز
 اید انصاف اید در یاسن بولوب به زعم و پندار صاحبی اولوب نون ابدی و اعطافیه
 لازم در که اول نماز زمانه بوجا کجی نقل اید لر و عظمه یتک و طبعه سی بود
 افراط و تفریط نقلی اید خلقه دغدغه و بیروب آینه محمد اراسته فقره و کوشه طبعه
 تفریق تغلیطیری و کله عبادت صورتده اولان عادتکی منع ایتک اولوب در زیر
 حرمه و امره باعث اولوب بلکه ترغیب است لر خلقه کسل کلور سایر فرائض و واجبات
 کجی کیدر کزک اید ایداری کور و منک بی نماز اول کجی ایدر سچر طولار لر زرا منع حرم
 افاده ایلک **بحث خاتم عشر مصافحه** مصافحه ال طو شفق اوله
 و معافقه سنه اصحاب کرام ی برینه ملاقی اولوب مصافحه ایدوب غفرانه اید لکم
 دیر ایدری و بوباید بهی احادیث شریفه روایت اولوب شد مراد ایدین امام نووی از هزاره
 کوره یا کز فصل مصافحه شد بر هر صکره صکره ملاقاتده مصافحه و انما اولوب
 نماز در نکره اکثر مده جمعه نماز نکره اید اولوب بر مخصوص دخی عادت طرفه

منتهی بر بدعت اولمعه بعض واعظ سولوبوب افضید عادتد ر یو خلقی منع ایلک
 استقنا اولمعه در افضیل عادت اولان اوقات نمب در کله و این کله مصافحه در
 جمعه در کله اولان مخصوص ر یونتی و بر دیر زرا قرار دده بدعتله و حرام ایلک توبه
 و صلاح جن اولی در بونده دخی بر زینل و قال اولمعه ای لکن اولمعه افراط و تفریط و اق
 اولوبوب خلق برنی قانع اولدی لکن اکثر عوام بنده حصه صاعید لر و رواج
 مقامده اجمرا اولوب بوباید دخی اعنة الوب در که جمعه کولدی جامعه کله اول کله
 شروع ایتمک کرا بنده اوتوران شروع ایدر سه نه چاره مصافحه ایلمیه بزر ایتد و کی
 تقدیرده اول آید یا جمل یا منکسر اولوب آینه مهر حال منفعله اولور اول جیده بوبیتی
 اشلک بر موعتک خاطری کسردن اهو در بوبدقه در نکره عادت بنا اول شروع
 ایلمیه دخی عاصی و مجرم اولوب قدر نشه بوقدره لایا سدر عید لر ایه ملاقات
 زمانه در سنه لکن عیده تخصیص عرفه عادت اولمعه اورا سببست دکلر جمعه اول
 سنت اولوب دکل **بحث سادس عشر اختصار** سلام بخنده ایلوب یا خود
 باشی ایدلایله اشارت ایلک دخی بر عتد ر یون تراغ اولوب سایر ملا و اربان اصغیر
 بر برینک بکون سلامی اولد و غندن غربی ایدل اسلام احسانک دخی فراموشه کور و سلف
 مختلفه اولوب عرفه عادت اولمعه را کور جمعه در اسلامه جمله یک سخن سلام ایلاری
 لکن صکره ملوک اسلامیه دولتری ظهور ایدوب هر دو لشکر بکون عرف و عادت اولوب
 هر سن حضرت جمعا به زمانه کی کجی قلمنی اطوار دولت و تباین دبار و عادت اقتضا
 ایلدی اندر آراسته ست اولان امور کس اکثری اولوب بولوب هر برنی اجمرا رعایت
 عادت بر حفا ر اولمعه ایکنی روایت کرا بنده اسمی رسمی قالدی کیده کس فرائض
 و واجبات بیلد مسامحه اولوب اولدی سلفه کجی ملا و اربان دخی جمعه بولدر عادت
 بونک اوزر رینه جاری اولاکله در هیچ بر غیر کرا منعی آخر نه دس حکم سخن عایلم

اجرا ابره مدبر عالم کون و فساد در رجال برقرار دگر در پس حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله
 زمان سعادت نهاده جاذا حیثیم خیمه خیمه با حسن منها اود و قوها مقصداً خیمه خیمه
 حضور شریف در داخل اوسه السلام علیکم در بریدی اندوخی و علیکم السلام در حقیقت
 و برکات بود و ۴۱ سلام ایدر بریدی خلفه و راشدین عصر زنده صابری که کرامت و
 اسلام بود و سوال او زنده سلام مشهور بر ایدری مسکوه ملوک اسلام بدو نکرده بعض
 عادت و مورایتی هر قوم ملک را سنده بر نوع تحت شایع اویوب بر شدی فاندی
 حال دولت عثمانی که عادت مثلاً پادشا حد حضور زنده سلام برین برادر را کار
 و دولت حضور زنده حضور صفا علی رکوع و انخا ایدر سایر اوزال ناس که می صاحب
 انحر و کچی شوق اولاد و اولاد سلطنت و در پیوستی دخی سنت اوزده سلام و برادر اید
 بود و در سینه محافل قدر فرائض ملک دیو بود و یاد نزار و جهل حاکم قدر زبر
 دفعات ذکر اولند یک بر قوم که عرفی تغییر شکل در بر و اصل نکرده خلق جهان
 قویوب امر دین و دنیا به ضرری عام و نظامی محلی معناری کوره اولاد ملوک حضور
 و غیره بر بر او بیکه بعض فقر الکابری تحت ایدر بعض دروغ خشک اصحابی
 کا فر اولد که بزی و بال تو دگر دیو عظیم انفعال کو ستر و ب فقیری حجاب باشد
 بقدر نکردن خبری و در نه ولدن زیر موجب کفر اولان سحر و اعف سبعا و ندینه
 او جلوه سبحان الله دید که قدر مخلوق عبادت نیکی اید اولان سحر در سحره
 تحت اعم حاشه عصر زنده مشرع ایدری اسلامه منسوخ اولدی ظاهر بود که بر او
 کسند عبادت نقدی ایدری عصری اوزد و بنوا و لغد زمان طور و سجده ایمن
 کفر و بال ندن لازم اولدی ال انگ او برب رکوع و انخا و سایر الفاظ اسلام و انخا
 و تنجک سنت محالفتی و اراد اولدی و عرفت عادت ترک اونیق عذر ایدر معذور
 زیرا که بکنه بیکه جمله و ارب سلام و برکات استخفا حلال و اونیق از زنده عادت

الکلی

انگ همچون عرف و عادت رسومی ایدر رعایت ایدر کند لک طالب ایدر است و حضور زنده
 وار و قدر رکوع و انخا ایمن ایدر سکوت ایدر یزانی زمانه سلام مساوات
 اقرانیدر نه سخی اشعار ایدر و کندن غیر صغیر و کبر بدینده جاری اولان عادت
 اوزده ایدر رعایت امتیاس اولور و بدین است و لک خاطر نه بر کلور ایدری امر
 بالمعروف و نهی عن المنکر ایدن افند بر بود قایقی بلکه کرک خلقی مالوف و لغوی
 معنادن دوزر ملک عبث بره سعی ایدر ب تقصیع اوقات بیتامک کرک بزرگوار
 سو بیک ایدر قطع معذرت حاصل اولور تا بزرگوار ایدر دخی زیاده سعی کوزه لکد مفید
 اولماز **بحث شایع شمر بالمعروف و نهی عن المنکر** **مبحث اهل اسلام**
 اختلاف ایدر دین بعضی مطلق و بعضی مطلق واجب دگر ایدری اما حق
 بود که ما مورب و منتهی عنده تابع اولاد واجب و حرام و واجب مذکوره و مند و بدیه
 مند و ب اولاد امام سیف الدین آمدی الکابرا فکارده و جوبه بدی ذکر ایدر ب
 علامه عهده الدین موافقه و سید شریف جرجانی شرحه و انری ایزاد و ایکسی
 شرط اولی اوزده سوق ایدر **قید اول** بود که امر و ما مور مخالف و خطابه
 اهل اولاد **قید ثانی** امر ما مورب معروف منتهی عن منکر اولور و این بیکه کنده
 عامل عادل اولی لازم دگر در حاشا فاسق مجلس فسق ده کنده ایچر ایکن غیره
 ایچک دیدن ایدر کنده ایچک واجب ایچک دیک و دخی واجب بر او ایچک ترک
 او بر او ایچک دخی ترک لازم دگر بر او ایچک ترک واجب ایچک فعلی منافی دگر
 نهایت ایکسی دخی بر نه کتور ایدر عادت اولور تا بزرگوار دخی زیاده اولور و مخصوص
 دخی سایر شروط و قیود بر نه اولور دخی حلاله واجب اولور **قید ثالث** بود که ما مور

واجب در منتهی حرام اولاً قالامرونی واجب اولمرتکم ذکر اولمنه قید
 راجع بود که وجوبی قطعی اولاجوب صلا و تحريم غریبی اگر مسائل اجتهادیه دن
 یعنی مختلف فیها اولان مسلمانان اولواسیه مرونی واجب اولمرتکم قید خامس
 کند و در غیری آمرونی اولواسیه واجب کفایه در و هر ناحیه برکند
 بولست کفایت ایدر ایدر برکنار برکنار کورس سائر شروط و قیود بریده اولسه آخر
 وارد راول و بود که این نیز با جائز که اگر غیری کند مطلع اولیه قید سادس
 و شرط اول بود که امر بالمعروف و نهی عن المنکر اولنه و نهی تقدیرده مامور که
 حصولی و منہک عنک زوالی اولان یعنی خلق اهرار اینک و فتنه به باعث
 اولامق طرفی غالب و راجع اول اوله اولواسیه واجب اولمرتکم قید ثانی
 اطلاق ایچون ترا عجز جدا سز برکند ایدر ایدر فتنه اولامق شرط طبعه مستحبه
 قید سابع و شرط ثانی بود که بحث و تجسس اوله تعقیب و تحقیق سزا اولان
 تجسس اولان فتنه برسی و حرام مد حق تعالی کما برکننده ولا تجسسوا و الدین
 یجوز ان تشیع الفاحشه فی الدین اموا الهم عذاب الیم بیوردی و حضرت رسول
 اکرم صلی الله علیه و سلم حدیثه من تتبع عورۃ اخی تتبع عوره و بر هر بنده
 دخی من بلی شیئ من هذه الفار و رت فلیسترها یسترها علیها فان من ابدل
 ان صحنه خنا علیه حد الله بیوردی و اب شریفه منکره عدم تجسس و سزا
 امر و لطف و کرم ایدر معامله ایدر اشاعه فاحشه به تعقیب سوز ایدر و منکره فاحشه
 کریمه کور و سزایک دیر رابری فاحشه به متعلق امور در کور کسده ستر منصر
 لعل و عسی ایدر تعلیل و بر رابری اشتمه امر بالمعروف و نهی عن المنکر واجب

اولمنه

اولمنه بود شرط و قیود وارد بود برکند بری بنمده واجب اولمرتکم قید
 قانور فتنه احتماله بلکه ترک ترک لازم اولور قبلن انکار کفایت ایدر پس امر
 بالمعروف و نهی عن المنکر ایدر دیندار که مدعی و سوزاری بود محله عرض اولنه
 شکل ایتمش بیلور حضرت نک امتی ایدر معامله سی لطف و کرم یوزندن البین
 آخر زمانه کلان مدعی کندی حضرت ایدر کی مخالفی عیسی کور یوب جزیه
 بهانه ایدر امتک کیمی انکار و کیمی تفصیل و کیمی تفسیق ایدر و سزا لادن
 تور قمر و پیغیردن اوتا غر خلی تعصب در و دوشوب فقره به سب اولور
 عوام شرط و قیودی بلر اهر سنده امر بالمعروف و نهی عن المنکر واجب و سزا
 بری برید نزاع و لجاج ایدر و کور طاشلشور کیمی ایدر کلهری باطل حدال کاحی قتال
 مؤدی اولور که اهل اسلامک بری بر ایدر جنگ و جدال اکثر به خصوصه منبیر
 بحث ثامن عشر ملت مجتهد معلوم اوله که ملت و دین و شریعت معناری
 بنیته اعتبار به مغایرت و فرق و ارباسه ده عالم اولو العزم انبیادان
 بر پیغمبر گفته کور دوکی معناره راجع اولور فلان پیغمبر ملت و غیر پیغمبر
 و دینی در ایدر انبیا اصل و تحدید متفق در اصوله اختلاف بود در اختلاف
 فروعده در پس دین اسلام و ملت اسلامیة اصوله و اکثر فروعده دین و ملت
 ابراهیم علیه السلام موافق اولمنه انما فتنه مشهور اولی عصر زنده ایدر
 بعضی افصل امت محمد دن برکند ملت ابراهیم دن یک جائز منبر و کور سوال اولنه
 جائز کله دیو جواب و بر و بر تفصیل در فقره رساله یاز و ب کت اصول و تفاسیر
 نقل است لایله تحقیق بحث ایدر که فتنه بعضی مشایخ دخی رساله یاز و ب

زعمی بر ابدی غیر دینی بود مقدمه اوج مقاله ابرار ایدوب اولیکه با حاشی
کلامی مآلنی یکجمله شریعت سوزنیک نتیجه سن ذکر اینه که فکره اوجینی مقوله
حاکم ابدی **مقاله اولی** فاضل زبور رساله بود وجه تفریدی ایدوب که
کتاب اصوله شرع من قبله ده اوج وجه واردر بری مقدم کلان نینیک
شرعی ایدوبه عمل لازم اول اول نینیک شرعی اوطق اوزره حاکم نسخ ثابت
اولا بری دینی مقدم کلان نینیک شرعی ایدوبه عمل لازم اولیه مکرر بقاسمه دلیل
اولا اوجینی بود که مقدم کلان نینیک شرعی ایدوبه عمل لازم اولی لکن بزبور
شرعی اوطق اوزره مقدم کلان نینیک شرعی اوطق اوزره دکل بوشرط که ایدوب
یا خود پیغمبر علیه السلام اول نینیک شرعی اوله دین بیان ایدوبه بیان دینی عاوجه
الانکار اولیه فخر الاسلام بزوری اصوله زور یا مکرر صحیح و منزه هتار بود
دچند و با یکجمله کتاب اصوله قرار و بر بیان منزه بوالوب اثبات اچون و جوه
استدلال بسط اوتنه رجهل و جوهل بری حضرت علیه السلام محاسن شریعت
لکن اموره اعم سالفت ابدی و شرعی حضرت و اتباعه طریق الارش انتقال ایدوبه
نسخ اولیان ماده لزوم بزبور پیغمبر مکرر شرعی اوطق اوزره عمل اوتور
مثلا شریعت و ملت عا طریق الارش انتقال ایدوبه میراث مقدمه اثبات اچون ثابت
اولوب انک ملکه اصناف اوتور لکن من دار انتقال ایدوبه وارثه مصناف
اوطق ایدوبه ایدوبه مورثه مصناف اولوب و مورثه انده عا قسی قاناز ایدوبه
بوشریعت حضرت ابراهیم علیه السلام یعنی اکه مصناف ایدوبه مورثه ایدوبه حاکمه باز
قالی و حضرت محمد علیه السلام انتقال ایدوبه انک اولوب حضرت ابراهیم

علاقه

علاقه قسی قالی بود جوی شاخ بزوری صاحب الکشف و ترقی محیی المحل البنا
بوکونه تفصیل ایدوبه توضیح و سایر کتاب اصوله دینی بو مصنفه عا قسی منکوردین
عقیده که عا قسی بیضاوی و ابوالسعود اخندی خاتمه عا قسی ابراهیم یعنی تفسیریه یعنی
ملت اسلام تابع اولان اصلنده ملت ابراهیم و بشار پس یکس ملت ابراهیم نمیک
جائز دکلدر زبور بود که ظاهری بود که دلالت ایدوبه حلال بود ملت حضرت ابراهیم اولوب
ملت ایدوبه اکه مصناف اوطق اوزره اولاد و بنده یکی بقدر برده ملت حضرت ابراهیم اولوب
اصناف حضرت ایدوبه محمد علیه السلام و بزور حضرت ابراهیم تابع اولوب امتی منزل سنده اوطق
لازم بود بونی عوام ناسه سوبلک جائز دکلدر اعاضا حلال ملت عا قسی اصلنده ملت ابراهیم
اولوب ملت مزبور و ایدوبه عمل حضرت محمد امتی اوطق اوزره اولوب حضرت ابراهیم امتی اوطق اوزره
اولا من ملاحظه جائز در لکن ظاهر نرسد مستفاد اولای اعتقاد فایده ایدوبه
اول طریقید دید و کن فریده که راستی ایدوبه ایدوبه خواص دینی عوام پانده سوبلید
زیرا اشتباه ظاهر نرسد مستفاد اولای اعتقاد طریق ایدوبه کیدور حاکم حاکم
ظاهر نرسد مولد هر سوز که ظاهر نرسد مستفاد ایدوبه حاکم و بزور جائز اولوب سوبلک
دینی جائز دکلدر اعتقاد جائز اولوب رجال قوم مدح بودند فکره بوسانده نتیجه
و جوه استدلالات و بیان اوتنه رجهل و جوهل بری حضرت علیه السلام محاسن شریعت
و اعتراضی دفع اچون اولوبه حاکم معذور تفسیر حاجت بود نه نیت و لا غرضه
ذکر اولان ثوابه اشارت فائده و ن حالی دکلدر **فایده اولی** بود که شمس الائمة
ذکر ایدوبه اوزره شریعت محمیه اصل شرع اوله دین و اذ ایدوبه میناقی النبیین
آئینه دلیل واردر زیر ایشان اوزره تفسیر میناقی اخذ اوطق انبیا حضرت محمد علیه
اشاعطری واجب اولوبه امتی منزل سنده اولان ایدوبه دلیل واردر ایدوبه مقدم کلان نینیک
شریعت حضرت محمد علیه السلام معتقد اوطق مستقیم اوطق زبور معتقد در دیکلکچن نینیک

استند برسی کی بی یقین اولور بویه حضرتی رسته سندن تزلزله رایدی حضرت علیه السلام
 نبوت و شریعت و اصول و فروع تا به منزل رسیده در صاحب کشف بو منزل اوره تعقیب اید
 تقریر دهی اجمالا مذکور در **فائده ثانیة** ان اولی آن س براهیم آیتند فاضل از ذی
 حضرت محمد علیه السلام اصالت یعنی استقلال طریقه صاحب شریعت لکن شریعت را براهیم
 اکثر زود عده موافق در لوکان موسی حیالما وسعه الاتباعی حیثی کمال استقلال داشت
ابیر فائده ثالث خلق شبیه لری اولان دلائل جلیله ثم اوجنا البیان فی جمع مله
 ابراهیم حنیفا و حق صدق الله فابوا ابراهیم حنیفا ابی مقصد سنی مخاطبون حضرت
 ابراهیم ملت اتباع اید امار اولند براهیم ملت نوزد ملت جائز نور و بنو ابراهیم
جواب بود که اتباع اید امارن مراد اصلند حضرت ابراهیم ملت اولان ملت اسلام
 اتباع اید امار در سیدی انذی اوجنا خلفند حضرت محمد علیه السلام حضرت ابراهیم
 ملت اید امار اولند حضرت محمد علیه السلام حضرت ابراهیم تابع اولیوب بلکه حضرت ابراهیم
 ملت کیدن اخذ ایتد حضرت محمد علیه السلام و فی اثر اخذ ایتد استقلال اولد دلائل واردر
 و پیش بعضی کتب اصولده بو آیتن مراد ملت اید علی ایجاب در وحی مستطاب بزم معبر که
 شریعتی و ملت اوره اتباع طریق اید امار دکل دیو تعبیر اید سیدی انکه بک کلامک
 مالی بود **فائده رابعه** علامه الدین زبیر هم آیتد تفسیری حاشیه ملت
 حضرت ابراهیم بهضاف خلقند مراد حضرت ابراهیمی تعظیم و ملت حق اولوب دلیل
 عقلی و سمعی موافق اولد و غنه تنبیه در والا حضرت ابراهیم ملت اتباع انک ملت
 اولد و غنی حیثین دکل بهش در علامه عصام بومله قاضی حاشیه سیده برحق
 معنی ذکر اید و ب دیگر ملکسا ابراهیم ضافتی با باریت معتقد اولان مشرکین غیر
 اچون مراد اولد دیکدر که اقتدا انبیایه کر کدر یو خا ابا جاحلیه دکل حال

وقد انقضا هذا الادیان جميعا
 الكتاب و غیره
 علیه الصلاة والسلام
 مشهور عند الکافان
 سافخی
 والاسلام
 و کفرهم
 کما یستدل
 عند الکلام
 ملتنا
 ان الملک
 شیخ زام
 و شیخ ملت ابراهیم

بوکه انبیایه اقتدار ندر تقلیدی ترک اید و ب عقل سمعند تحقیق طلب انک
فائده خامسه بهود و تضاری و شریکین عریک اصول و فروع ملت ابراهیم
 مخالفند و ارا یکین بلاء اعظم مخالفی حضرت ابراهیم ملت ب و دینی
 اید تدین دعوا سید پس ب ملت اتباع اید امار اولد و بکن حضرت ابراهیم ملت
 اتباع امار اید تعبیر المکرک بود معنی سببی اید امثال الذین اقربا ولد و عیون اولد با خود
 اندر یس موحدین اولوب ب ملک اصل و اساسی اولد و عیون اولد با خود ب ملت
 بر ملت غیر و دکل اورد و نبر و سوبد کاش مالوف در واختلاف عصر سبی اید
 ایکی ملت بدینده مخالف کورینور حقیقتده مخالف بود در احکام حکم جری
 عصره کوره حق اولد و غنی حرمندن حکمتی مقصد **سائده** ملت ابراهیم
 اتباع امار اید تعبیر مراد ادیان باطلدن ملت و حق اوزرینه ناسته هر ج و ضیق اولد
 ملت اسلام اتباع ترغیب والا نکیم و عاجل اسلام علیکم من هر ج ملت ابراهیم
 تفسیر نده بعضی اید تعاد دیکری و سخت اولد و تفسیری کبی دینش در حقیقت
 ادیان باطلدن عامل حق اوزرینه ثابت نمیکدر حضرت ابراهیم علیه السلام اعلام
 غالب دن و انک دینی سهل اولوب هر ج و ضیق اولد و غنی ای دین اسلام دینی
 ادیان باطلدن عامل حق اوزرینه ثابت و سهولت اوزرینه در هر ج و ضیق اوزرینه
 دکلدر دیو ترغیب واردر **فائده سابعه** بود که امام زین ملت استعمال اوتار
 الا جمل شریعه استعمال اولنور دیشدر بولدا و لجه ملت ابراهیم اید اعلی اظهاری
 اوزرینه دکلدر زیر بزم ملت ابراهیم هر یو دیمزکن اصول دینده دکن
 فزوده یا قدر مشرکده اید و عیون ملت ابراهیم اید تعبیر اولدی **فائده ثانیة**
 دین و ملت و شریعت معناری برور بر کلی آیتدی زجابه تابع اولوب رساله

دین و ملت بر در حضرت محمد که حق تعالی بن اعتقاد متعلق کتور دوی شلاره
 شریعت اعتقاد متعلق کتور دوی شلاره دیدی اولیا و لحنی ملت ابراهیم دنور دیک
 جائز اولور زیرا اعتقاد متعلق اولان اشیا و اشیا متفق در دینلور سه
 بود هر مسلکی رکله را عام را عبا ملت الک کتاب دن مافور اولیعت معنات
 الله تعالی یک عبارت چون انبیای سانی اوزره مشر و عد قیل و غی اشیا یک سمید رینه
 انک کبیر نهایت ملت اهلک دعوی و اثر الکتبی اعتبار یله در دید و کندن
 فهم اولونکر اوجی بالذات بر وبال اعتبار مغایر اولا قاضی دخی حتی تتبع ملتهم
 تفسیر نه بو معنای ذکر ایدر و سائر مفسر لر و محقق ایدر ملت دین و شریعت
 بالذات بر در کجمله الله تعالی یک انبیای سانی اوزرینه مشر و عد قیل و غی اشیا دن
 عبادت بعضی تعبیر انکوره جلدهی وضع الیه دن عبارت در و بالا اعتبار مغایر در که
 ملت نسب سیمی معش اولان بیجا منته املایمک اعتبار یله در بر نسی
 الله تعالی بر انکله مدان بیع طاعت و انقیاد اولنه دخی اعتبار یله در شریعت نسیمه
 الله تعالی نک زلال زحمت مشعش اولاندر مورد اولیهی اعتبار یله در بول اولونجی
 عقاید و اعمال شمول قضا ایدر و ایه سابقه دن دین و ملت هر ج اولمخل موصوف
 اولونجی اعمال شامل اولور زیرا عقاید هر ج تصور و لغز نفع اکرده والدین اسم
 واقع علی ایمان و الاسلام و الشریع کلها دیو ذکر اولونوب پس عقاید و اعمال شامل
 اولونجی سؤال وارد اولاندر ساله اخیریه و ارجح بر سؤال دفعه ده اطناب و تمش
 بزاندی طی ایلدک **مقاله ثانیه شیخ محیی پسا له سنک مالیکه** در مجیب بور
 ضعف تالیف و ترکیب بر عری رسال بازوب ظهر نه کو یا که شیخ الاسلام
 خطباء بر تاج سعید ایشش مائل افراطلدر و افراط و لغله الفاس و احب کورلی

له

بعده رساله نک اولدن اخرینه دیک عبارات بقیه ابد ملت دین خصو
 وار و لولان ایات کرمه و اخبار و اوره طاعری اوزره معنای و دیوب کند و در تحفه
 اسد لال ایوب سا هل تفسیر و علل اصول سوزلر نیز اعتبار و لغات ایوب
 و با حش و عو لسی نه در و یحی اسد لال بلشر در و منع و قبول ایدر دخی الحایط
 عظیم حسرت ایشش نکله و ادب سنده یازونی خلطیه نه بری بوک ملتک ابراهیم
 احاف قشقی قطع ایدر اول حضرت امانت و حقا ایدر بعضی علما بر سالکانه رد یازره
 دیکشک اصل ملت حضرت ابراهیم کدر دیکله احاف نه ثابت اولوب قطع و عو لسی کذب
 و افراط نهایت بو حجاب تحریک ایدر نک مرهوشیک مکره ایدر ایدر دخی اوج ماده بر
 جواب یازمسن شیخ محیی ایدر نتیج رسال اوج قولدر بری بوک انکر بر ملت ابراهیم
 دخول ایلد ملت محمد دن خروج کفر ایدر یکجی بوک محمد علیه السلام ملت ابراهیم تابع اولسه
 الله ک رسول اولیب ابراهیم رسول اولوق لازمکلو حضرت محمد علیه السلام ملت
 ابراهیم تابع اولدی دین کافر اولور اوجی بوک ملت ابراهیم احاف جائز و کلدن زیرا
 ابراهیم علیه السلام ملت دن منقطع اولدی و محمد علیه السلام وارث اولدی و بر سائر نک
 نتیج سک بو اوج معنای ارجاع و هر بی حاشا ایلد انکار ایوب اوجیه و غشکله
 ملت میراثه قیاس قیاس مع الفارق در زیرا ابراهیم ملت قیاس مع الفارق
 تقدیر نه زیرا علما و رشته اینا در مورد فخری اسم ملت قیاس مع الفارق
 احاف قیاس مع الفارق جائز اولور ایسه ملت ملت محمد اولما حق لازمکلو بر اول
 قیاس باطل اولور دیو زنجی اسد لال بلشر در اولا اوج نتیج دید و کنگ ایکی کنگ
 محض افراط در سائر احادیث اول نتیج بی اساس ایدر اوجیه قیاس مع الفارق
 دیدی دعوا عن اصل فاسد و کندن نک قیاس مع الفارق در زیرا پیغمبر دعوی
 استقلال و عو لسیبر علامه اول بو قدر ابتداء تسلیم وارد و پیغمبر کملت

دارش اولی تم درشتا کتاب الدین اصطفتنا من عبادنا متوجع اولوب علامک
 انبیا به وارث اولماس کی دکلدر و بالجله شیخ مجیب بحث و نظر بهر سندن بی نصیب
 اولمقد کلامه وجود و بر مک بهوده در ایجنی بو باده یازلش بر رساله بولوب
 قلت بصناعه اصحابی آئی بر امر معتد به قیاس اتمیه لریو بو مقدار گفته و نصیه
 اولندی **مقاله ثانی ملت بحثه می که مقال سید** معلوم اولد که امر
 نبوتیه قطع نظر طبع بشرده ریاست و تفر و استقلال با طبع میل قونیوب
 برای مصلحت حکمت تمدن مقتضای انسانی انکس اوزرینه خلق اولمش
 بر امر جلیدر فرضا صبدان بعدینده بیده یاسته میل اینه کله ری مقدر در انکار
 اولماز پس بو خصوص سلم اولد قدر فکروه اضافت بشکر جاه و در رتبه سوره
 ریاسته نغزو و استقلال و ادر رتبه و منزلت رفعتده اولدق پایدیه اعتبار
 آرتوب خزان و امثال انبیا عن کار کلک بشکر و زیاده اولور بو معنا بالک اولماده
 دکلدر ریاست و دینی به تمام و شاملدر مثلا ارم دنیاه بادشا هرک استقلال
 دعواسی چون قای و بر عهده جنگ و جهاد انکس دکلدر ارم دینده الی شیخ
 کامل و ساکنه و اصل بر عهده بری بریه انبیا عن تحاشی ایرارنه که الی غنم
 صلاحی ساقیه و یازمده و بر پایدیه الی عالم تناقض و نزاع اوده اولد
 کلشدر چون بو خصوص بر امر جلیدر احوال بشریه یاسته انبیا حقده جائز ان
 اولوب انکر رتبهی مراتب نیه فرقتده اولدی بیه لازمه کله که اولد زمره
 جلیله اراسنده دخی پایدیه لریو کوره بو اعتبار رعایت اولد خصوص اولوالعزم
 پیغمبر الی صا حبران بادشا و عظیم الشان رتبهی انزه نسبت دون و پهنه
 ارا لوده تابع و متوجع اولق نه مرتبه ده در قیاس علیه ملاحظه اولد خاتمه بزم
 پیغمبر فخر عالم خاتم النبیین افضل انبیا در گنیدری انبیا بر سالفه فضایلده

اولا جلد بر زمانه و رکانه
 الی اولوالعزم اولماز حق دیت
 ایدر که هرگز متوجع
 انبیا وجود برضا و موافق
 و خاتمه و هرگز
 و خاتمه و هرگز
 ختم

لاری در نظر

بیور قدری احادیث شریفه علیه برینک حق خیر رعایت و قصادن هرک لوکان
 موسی صیا لما و سعلا انبیا بیور رب رتبه لری کمال استقلال اوده اولد و شیخ انکار
 و اعتبار ایدیه امتیه لازم اولان بو اعتباری دخی زیاده حفظ و رعایتی بلکدر
 کر چه انبیا و عظام سالف امتی کندی پیغمبر انبیا سایر انبیا اوده تقصیل
 و تقدیم ایدوکی ظن اولنور لکن اصل اسلام بنیده عده هین بود که حضرت محمد
 مصطفی صلی الله علیه وسلم سایر اولوالعزم انبیا دن افضل اولد و رسالتی کمال استقلال
 اولوب پیغمبر تابع اولمده بو بحثه دعوی و مقصود بودر بو معانی ملاحظه و تأمل
 اچون اصل تفسیر و علل اصول ظاهر دن اتباع فهم اولان انصومی تا و بر امر
 ایدوب ملت اسلامک اصلده ملت ابراهیم بی اولمده انبیا عن حضرت ابراهیم
 اتباع لازم کله دیو بر رتبه رد بار مولد باحت رساله سده انکرک لانی و کلاشی
 نقل ایدری ادب بحث قاعده سی اوده ناقدر اولماز انجی قصصی نقل طلب
 اولنور شیخ جیک استلال دردی بحث و نظر قاعده سی اوده دکل خطبای تدر
 بو باده اکا اعتبار اولماز اما ملت اسلام ملت ابراهیم صبی اولد و غنی تعدیده
 دخی الی اولوالعزم بنسبده مغایرت وارد انجا بو قدر مع ذلک عینی دکل بر پایدیه
 بری بر رتبه مخالف لری چوقدر که بنا یعنی بنسبده مغایرتن اوتری کس بن
 ابراهیم بنسبده حضرت محمد علیه السلام حستنه و کلم رتبه حال بقدر در ایا باکر
 ملت ابراهیم نم دیگ خلق اراسنده شایع و لاکنج بر سوز در سکن
 رساله یازده و طرف سلطنتن منع اولنده قابل دکلدر دسویروانی مویله
 ذکر اینه کمر خطای فاش اولان شق اخیر خاطر لکوتیر لرا ویدل و یجن
 سوز لر بی صلاحه حمل ایدوب اصل اعتباری ایدیه ملت ابراهیم بقدر دیگ کمر
 دیو توجیه لازم اولور بوق سوز خطا و اصلتی بیلن خواص بولیوب عوام بولون

دیگرده حرج ابدی کلبه و اور و رکنه اعتبار رکاب بهو و خلقی و غده غیره و نشو و
 قیام و قالیته و رکباعت اولور و حقیقت حال بود لکن اصله یازمان مباحث
 و دلائل برده جلدی علی و اصول و فقهی اولور و فی اهلته معلوم در بومقامه کلام
 انجامده اربوب ملت بختی تمام اولدی **فصل نهم عشر رشوت بخند**
 متاخرین فاضل فقیه بن نجیم مهری بوخنده بر رساله یا زوب تحقیق مرام
 ایلدی بو عصر ده شوک کشتهای در و ابجی اولعله بزا اول رسالهی بو مقامه
 اجمال اوزره ترجمه ایلدی رشوت اصطلاحده کسر الیه بر شخص حاکم و غیره مزایه
 تحصیل ایچون بر دکنی شید و ارث المظدر ارام ابو نصر بغدادی شرح قدوریده
 رشوت معاشه ایچون و بر بندر و هدیه ده بوشروط بو قدر دیو رشوت ایدم هدیه
 اراستی فرق ایلدی رشوت ایدم کتاب و سنت ایلد حرامدر کتاب و لا یطعموا
 بینکم بالباطل و شلوا بها الی الحکام انا کلوا فزیقنا من اموال الناس بالاثم و اتیم قتلوا
 آیتدر سنت ایدم بایده وارد اولان حدیثدر لعن الراشی و الراشی و الراشی جدیدی
 دارا شیعیان الذی یعطون الرشوة و الراشی لعن الراشی الذی یشی بینهما حدیثی ای بو رشوت کدخی
 اف می وارد در امام قاضیان فتا و اسنده کتاب قضیه و عبارتی در دست
 قسم اوزره ذکر ایلد **میر قسم اول** جائیه حرام اولاندر مثلاً قاضی رشوت و ربوب
 منصب السه قضای اولماز و ربوبی ایچون رشوت کسب ایلور اولانده دخی حرام اولور **میر قسم**
ثانی حکم ایتیک ایچون ارشاد قاضیدر مشرق قضی به و دعواستی قضای ایچون رشوت
 ویرسد ویرمک الحق حرامدر کرک حق ایلد قضای اولانکرک بغیر حق اولاقه قضای نافذ
 اولماز **میر قسم ثالث** الحق حرام ویرمک جائز اولان رشوتدر مثلاً کرکس نفقه یا نود مالان
 عالمه لر جونی دفعی ایچون ویرسد بمقول رشوت ویرمک حرام دکل الا انه حرامدر کرک لک
 بر ظالم اسنده اولان عالمه طمع ایلد بعض مالنی و ربوب باقیمسه تخلیط لمسه آثم
 اولماز **میر قسم رابع** سلطان یا شنده مصلحت کورمک ایچون ویرلین رشوتدر

دارا شیعیان الذی یعطون الرشوة و الراشی لعن الراشی الذی یشی بینهما حدیثی ای بو رشوت کدخی
 اف می وارد در امام قاضیان فتا و اسنده کتاب قضیه و عبارتی در دست
 قسم اوزره ذکر ایلد **میر قسم اول** جائیه حرام اولاندر مثلاً قاضی رشوت و ربوب
 منصب السه قضای اولماز و ربوبی ایچون رشوت کسب ایلور اولانده دخی حرام اولور **میر قسم**
ثانی حکم ایتیک ایچون ارشاد قاضیدر مشرق قضی به و دعواستی قضای ایچون رشوت
 ویرسد ویرمک الحق حرامدر کرک حق ایلد قضای اولانکرک بغیر حق اولاقه قضای نافذ
 اولماز **میر قسم ثالث** الحق حرام ویرمک جائز اولان رشوتدر مثلاً کرکس نفقه یا نود مالان
 عالمه لر جونی دفعی ایچون ویرسد بمقول رشوت ویرمک حرام دکل الا انه حرامدر کرک لک
 بر ظالم اسنده اولان عالمه طمع ایلد بعض مالنی و ربوب باقیمسه تخلیط لمسه آثم
 اولماز **میر قسم رابع** سلطان یا شنده مصلحت کورمک ایچون ویرلین رشوتدر

اولدخی ویرمک جائز الحق حرامدر الان دخی و بالذن قورتلن سترسه اراشونه بکون
 صبا حدن احداثد کرک مصلحت اجاره عقبن یا نه کرک بو عقد شروع و صحیح **صک**
 مستاجر استایسه اولعله آتی استعمال یا نه سترسه ستره بو حیلد شرعیه اولان مزایه
 حاجت اولور کربانه مصلحت کورمک رشوت ویرلید اما اول رشوت اکلید مصلحت
 کورکد رشوت ویرلسانه اختلاف ایلدیر بعضی بومسئله دخی حلال اولم بعضی
 اولور دینی صحیح بو در زیر احسانه مجازات اولور قاضیان کلای بونده تمام اولما
 خلاصه و بزاریه معنوی دخی بو بلدر حدیث شاربین اتمام فقیرده تغییر اسوسا
 ایدوب قسم اول نقل قضای و اما نه رشوتدر قسم ثانی فاضل حکم ایچون ارشاد سید
 ایلکسنده دخی جائیه حرامدر قسم ثالث سلطان قنده دفع ضرر و یا جانیع ایچون
 ویرلیندر قسم رابع دفع و یا ضرر جونی دفع ایچون ویرلیندر ربو ایکی قسم
 ویرمک جائز الحق حرامدر ربو اجمال ایلندر رسالک خلاصه سی بو مقامه
 مستثنی اولدی بوندر فکده ماخن فیله کلام رشوتک مطلق حرمتی عوام نامی
 اراشنده شایع اولوب نه مقول رشوت حرام ایدوکن بر سوزدر سیدر ویرلیندر
 دخی نزاع نه لازم دیو او غور لیجی اولور ویرلور و دنیا ده بر فرائضی کورمک وکی
 برده هیچ برکسند قبول ایدایمین دخی ورع و تقوی سندن دکل
 هضم مشکله لسان خلقدن قورکر کرک زباله زجره معنار خطی در ایدر کرک
 ایدمی بونده حقیقت حالی بو حوال اوزره در خصوصاتی زمانا ارشاد دختاش
 بو قدر اولی بودکرک قسم ثالث و یا بعده بن نجیم قاضیانده نقل ایتیکم ایجاده
 عقدی ایلد معاطله ایدوب و بالذن قورتلن رفی زمانا اهل ربو لک قضادن

غیری خصوصاً در آلب و بر روی بوقبله نه ریاست ابطال حق و اثبات باطل فاضل
 اقدام نظر مختل ملک خوش دارد سلفه حکام اسلام و بادشاه امام اول
 محمدری دفع دولت و مال موجب منعی همچون مطلق رشوت جوسی حکم قیای
 قانون اوزده مصلحت کوردر و خلقی نگه ضبط ایدرادی حال دخی که کوره حرکت
 اوانق کرک صکره نامت فایده و برز حبله شرعی ایدک دیک سوزا و ملاز
 جوق خصوص دارد که صورت شرع قومی قابلدر لکن تحته نجر فساد و لغفل
 معقول کور مرز **عشرین ابوالسعود افندی ایدر بر کلی محمد افندی**
بخشید ابوالسعود افندی سکر بوزطفن النی ده توده ایدر بر طریق عله
 قانون اوزده قطع مراتب ایدرک طغوز بوزای ایکی شعبانک واسطه محمد الدین
 افندی برین شیخ الاسلام اولوب طغوز بوزای ایکی جازای الاولیایک شیخی
 کورن و فایده بخیر کامل اولوزنه فتوی و بریدر دولت عثمانیه سلطان سلیمان
 خان طول عمر ایدر متفرد اولوغی مولای مذکور دخی امتداد زمان منصب
 در راستا تقوا ایتمشیدی بوز دولت علیه کمال پاشا زاده افندی ایدر بوز
 اکثر قوانین شرع شریفه تطبیق ایدر بر مراتب و مناصب خلقین اصلاح ایلام
 دولت کما بدی نظام و برشادر رجوع بر کلی محمد افندی بالیکسیده بر علی
 نام در سر یک اولغیدر تحصیل علمین صکره است بوز کلوب قاضی صکره
 عبدالرحمن افندی بدین ملازم اولوب اوزده قسمت عسکریه ضبط ایتمشیدی
 بعده مرشد طریق یراشی شیخ عبدالرحمن قرمانی خدمتده بر زمان قصیده پاشه
 مشغول اولوب محمولان مستند الدقوی سابق اصحابه تقسیم ایچون اوزده بر
 دفتر جویند ترزیم و استخلا ایدر بر شیخ مزبور اشارتیل فاده فتون نافه مشغول
 اولوب نقل حدیث و تفسیر ایدر از رنای بیاتیل ایدر خواجیه بادشاه مولانا

علاء الدین

علاء الدین فی شان نفسان نشانه اعتقاد ایدر باختی بنا بر کسیده بنا ایدر کی مدتی
 تدریجی بوزده تفویض ایلیو بادل سید بر کلی اولوشی اطرافدن طلب کلوب
 وجهه الاسلام ارباب استعدا کمال و لغفل کاه و عطف کاه در سه مارس و امیر معروف
 دخی عن المشرک ایدر است سیدانای ایدر بر جوی ایکن طغوز بوز سکن بر جواد
 سنده انتقال ایدر سنی ایدر بر سال ایدر سیدانای اوخز عوده است بوز کلوب
 وزیر اعظم محمد پاشا ایدر ملاقات ایدر دفع مظالم باینده سوزی سمیع اولوشی
 نچکت و رسالت تألیف ایدر بر تلاوت قرآن عظیم و مباشرت تعلیم و باجمعه عیال
 مقایسه اجاقی تحریر باینده و وقف منقول و در راه جازای اولوغی خصوصه
 شیخ صرام نام بر رساله ایدر بر علماء تحول ایدر بسط اوله منقول ایتمشید مشایخ
 حقانند بال زاده محمد افندی ابوالسعود افندی طرفه بر کلی محمد افندی
 رد ایلیوب ذکر اون زمان اوردده مباحثه و محاوره و طرفینک مشاجره
 طبقات صدریه و جلدیه مرتبه سید ایدر شیخی ابوالسعود افندی رجوع فتنه لغفل
 ابا و متأخرین علمایه اقتدا ایلیوب خلافته اقتدا ایتمکله بال زاده حضرت ابولوب
 احب باجاری اولان مدعیان خالف توف حضور اوزده تعیین و ظهور ایچون ایدر بر
 ایدر بر تفصیل مشتمل تشیع ایتمشید بر مقام کلمه شقایق دلمندن نقل اولوشی
 بوزن صکره فیکر ایدر بر کلی افندی علوم شرعیه مدقق و محقق اولوب کسیده اولوب بعض
 مشایخدن سمیع اولوغی اوندده معقولان فتن منطقی افغان اوزده تحصیل ایدر بر
 شطر عرفی اکثر افندی لکن سایر حکمیت مشرب موافق اولغفله لفظیه
 انکار ایدر بر عرف و احوال و علایق ناسه و قوی ایچون تاریخ دخی کور بوز مشتمل و منق
 اولغفلد کور اولان خصوص صراجه و هویتیک نقص دورنده و در راه معزیه کلمه
 ایچون معاملات ناس فسادنده معقباتی مشرب طریق محمدی نام کما باینده یازده

گوشه اقصای ادب تا دیب لازم کلامی سلطان اسلام و مسلمین بود مقول و مع بار
 و تعصب اجماعی کائنات کان تو را دیب ایلمک و احیاء نه زیر السلفه بود مقول
 تعصب جلکدن چون خف در اولش در کرک جلوت کرک قاضی نام اوصاف از بابک
 صورت حلاحدن کورند و کن وجود کویوب بطریک غلبه بی جائز کویوب نظام
 عالم جلخلق حدندن تجاوز اتمکله میسر در رحمت امر اعرف قدره و لم یعد طوره
خاتمه حدیث نعمت و بر قاج و حسینیه در **حدیث نعمت** حدیث نعمت بود که
 بود سالک یک محرمی مصطفی بن عبدالله السید حاجی خلیفه که علیا بدینه و کات
 جلیج دیگله مشهور در بلده قطنه بود تولد ادیب و والدی عسکریه اولخله قاتو
 اوزده اول زهره و کجوب طالع و کویوب مشهور بایه حکمی الما و قی یازمق صنعت میل
 ایلدی بیک او تو ز ایلمی نامیخته ها نا طولی محاسبه سی فکمه شاکر اولوب او تو ز او
 ترجان سفر نه کنی او تو ز شده بخدا و سفرین سفر یوب باش مقابله ده شاکر
 اولدی فیض کتبت و حساب سیاسته متعلق اندانیه کلامی بدیهی مقامه
 کورینو رایدی او تو زانی و او تو زیده ارض روم کاهره سنه بولوب او تو ز سکرده
 عسکر اسلام ایلداست بول کلامی سابق الزکرافضی نام افندیک اشتباهی کوز طای
 اولخله بر کون کورکن سلطان محمد خان جامعده و عظمه اوغرای مرحوم نظم نظام
 اولوب مؤثر سوز سوز و اشیدن الیه و عظمی و کلامی اکثر سوز خلقی نام شریف
 تحصیلیه ترغیه متعلق و جمله ن تجماعه سعی چون تحریص اولوب اول حینه کویا ز نام
 خاطر الی الوب شغل تحصیل مستند جبهه سب ادب کوی تو زری کنده و الیه مرحومک
 و حبیبی دخی و خصوصاً اولخله اول کور بلان مقدامه علوم الیه بی نکر اراعه و شیوع
 ایلوب آرزمانه اعراب و ترکیب ملکه نه مالک اولدی و شیخ مزبور در سخنان نه
 واده جشمه و باش سفره کیده و عظمه در شی و یکلدن او تو ز طوق زده حیران و یکلدن
 سفرین سفر یوب قرق برده کروات بول کلامی شیخ مزبور در سه ملازمت

اولون

ایلدی مرحوم در سه تفسیر و احیاء علوم و شرح موافق و در و طریقت او تو ز
 اکثر درسی قشربج بسط ایلدی زیر المعقولات سنه ایلد آشنای ایلوب بقیه
 اول خلره متعلق قیلم کورده قاضی بوداده فلسفیک انیش **بیت** کلام
 فلسفه و کلامی آنکه هراکلیس باش اکر می دیو **مصرع** منطقیه اولوب
 غم دکل بونکرک امثالی سوزاری الما عده لما حیده فوج اسخه نرسش ایلدی در شی خلق
 عالم ایلد بر قاج سالده کت کت سب اولوب وافر کت کور مشیدی اکر کشیدی
 دعواست مطابق مسائل خاطرینه الوب استحضار اید و محفده سوزیدی نون ام
 الجوب الحاضر فوج اسخه خصمی الزام باینده ماه اولوب رفیق و دور حقه کنگ
 دعویای تجدید ایدوب مجبور خلوتیه و مولودیه و مقهوره کجباری کنده و دشمن اولشی
 تحت و پندر دوک چالغیش طوقیه ده ده بوغلی دوه دیو هر و عظمی و عظمه
 خال دکل ایلدی و نه طرفدن سیواسی افندی و اسمعیله وده و سبازی سکر او نیا و طوق
 و ملحه و زندیق در دیو اطال لرایه لر درین بر زمان سال اربوینه و نصلیه و تزیین و غایب
 و قد تلعلی سورینو بیج قیل و قال و بخت و جداله جودی اولدی کنده و ظریف
 و عارف کنده اولخله بود مقول مسائل خلایق بی باینه احمقنا ایدوب خالق نعرف
 مضبوطی و دشا هار معلوی اولمش و جمده به تقوی اتمکله مصلحتی کوی زش ایدی
 سایر ارباب حماقت بوجعلی جد قیاس ایدوب تقلیده مذهب تعصبی در دنده و تو
 قوری غوغایه مبتلا اولدی لالی لان قاضی زاده بین الناس بخصمه و افرطه
 مشهور و مدح و مژوم اولدی بی بیانه و حجاج و کلده فقیر بودند و اقدم بجمه استدل
 سمته ارشاد الیه سب اولدیندن خلاص ایچون حالا بو مختصری دخی فکله کوردم
 بیک قرق او حده ویرا عظمه محمد با دشا سراد او لوب عسکر حلب قیسلان کتخله

مطلب منطقیه

مطلب دور

مطلب افلاک مشهور و مذکور

حج شریف بنیت نکر سفر حبیب حیدر حجاز سفر و میراد لدی ارا حج و زیارت
 اردوی صایون دیا بکوه یکن کلوب اول نقش شهر و بعضی علماء صحت و استفاد
 اخیل و رغبت اولدی فرق دتره سلطان مراد خان ایله ردی سفرین سفر یوب فرق
 و نوب دردی صوفی نیت و بود جمله تصحیح توجیه و عزیمت اولدی بکوه اول زمان
 سفر و حرکت کلوب بجز چکر و دتعلو کور یوب حج و غیرا مصلحتی تمام اولدی جضا
 منقلب و الاصفه الی الحیا والا کبر نخواسی اوزرینه من بعد راه حلیه و غیره نفس نفیس
 توطن و طلب علم شریف تحصیل بنیت عزیز تعین اولوب رزق مقدر سبب علم
 خرج و حرف اولدی مقرر فیلندی بو نیلداست بوله کله کوه حلیه انا نشانده شکر
 صحاف و کتک کتبی کور یوب اهام الی اید اسامی کتب تحریر به شروع اولدی
 استا بول کلوب علی طریق الارث برمال انتقال ایلد کوه حیرات مال کتبه و یوب
 هر صرعظم ایلد استغفار شروع اولدی فرق الشیه اول کتبه حطالده میسر اولوب
 میل طبیعی حبیله تواریخ و طبقات و وفیات کتابین بتبع خوش کلور دی فرق
 پیدیه کوره اقربا فردن برمال در تاجرو فوات ایوب مانند رفایح کولک آقا ایلد
 صدق عزیمت و خلوص طریقت برکنی ایلد نتیج باب و سهولت اسباب میسر اولدی تیسیر
 الهی ایلد تحصیل نون سمیحه مستخر اولوب میل طبیعی به انتظام امر معاش اعداد ایتکین
 آرزمانده چون کتبه منزل اولدی سبلع میرانگه و چوک آفری قدری کتاب و یوب
 باقی سبلع تجرید منزل و تبریلو ازم تا محل ایوب فضل سنی سرماییه معاش و سارایه
 انتعاش قیلول فرق سکره سلطان مراد خان بغداده روان اولد قده عزیمت سابقه
 اوزره سفرده قطع نظر اولوب شغل عزیمت ایلد نقش ایدی اول زمان فتنل احاط
 ایلد مشهور اعرج مصطفی اندی فضا دن فارغ اولوب طریق تدریس هوسل ایتکار

درس ویرمکه بشکشت ایدی تفسیر بیضا وی او آندن دستی استی و حراز اولوب مسعود
 و منقولاً نه سابر کور دیکیم در سیرینه حاضر اولد و غم علی دن زیاده کثرت معلومات
 و احاطه صاحبی بولوب و جمعی است و اتحاداً بترم اندر فی فقری سابر طلبه کور یوب
 کمال توجه اوزره ایدی اراده انش و الفت حاصل اولوب تخرید کوه استغاده و صبحی اوزرینه
 فرق طغوزده ایا صوفیه درس عالی کور استغاده اندی مجلسه مدامت اولوب
 القیه و سلیمانیدرس عالی کجی محمد اندی در سلی استماع اولدی عبداللہ اندی علوم
 عقیدیه نقیبه راه ایلد ایدی عمره اندی عربیه بترقی و تحقیق صاحبی اولوب محققان
 و غزوات کجی بزم بیلد و کز دکل بیلور و ارا سید سلیمان دیوانصاف ایدی قاضی کور
 بیلد و کجی دم و در ایزرای بیک القیه سهرانی احمد جبر رشاکردی ولی اندی کلوب
 منظم و معالی و بیان فنی تکلمه کوه اولدی الی برده کتب تواریخ کجی باز و غنی
 یوزا الی قدر دوست ملوک فذلک نام برد قده تلخیص اولوب شیخ الاسلام کجی اندی
 برستخس طرف سلطنته ارسال بچون بیاض ایکل لیدی تقید و نهادی الی ایتکیده
 ولی اندی برون اتصال سند مصلحتی بچون تحفه و القیه در سنه شروع اولوب ایلد سند
 اصول حدیث فنی تمام کور لدی مزبور فی عهد شیخ ابراهیم ایتکین اندی
 انک کتبه کایا حضرت رسول الله بو فقیر کتسندی منضل اولدی و بواشده شیخ
 زاده بید تفسیر قاضی مزبور حمد الشریع کتبه کایا طرزنه یا ناضیه بشندی کوه
 برصحنه یا زیور اید تلخیص و التی درت دخی در سله مدامت و شغل کجی
 اون سنه قدر زمان کجی و کوندر اشتغال ایوب بجزکت کور ملک و اکثر فنون بتبع ایتک
 میسر اولدی کاشی برکت کور کجی شوق و شوشه و شوشه شمشیر طلوعه دکتشده تیار
 کالاه سال کلک اوان سنه یقرب زمانه حلیه کلوب استغاده اید اولد یلر اوله مقدراً

مطافاضه اوده کجی سلوک

فنون در سلك او قودیلر و حوم کچی افندی در سن و بر سبک حاشیه ارطالده
ایدر مسکن دیرایدی قیودنی درس او قورار لکن حاشیه الزامی نادر در دم
ادب فقیر کورنتر جانب و حد تن ذلول و احاطه کلیات ابدی فیض اهل ایدی جریانه
نقد و جریانه سمته التفات تصنیع اوقات و اوقات اولیاد و زوار برشایدی یا فیلد ایل
قناعت معنا و بعدن بیک الفی شده کردید سفر لری ظهور اید و ب اول
ایله کره زمین و دریا و قوره رسو منة سفده اولان میل طبعی حسیله اقبال اولوب
خرق رسمی نجر اولور و اول و اویده یازیلوب جریان کتب و رسالی ندر بالیام کورلری
بواشاده سلوک اولان طریق مقتضای مقابله باش غلبه سی ایل مزاج و اوج اولوب
سفده بکری منة حدت غلبه لک نوبته اولاکلر رجب طریق بزه نوبت و فقیه
دینلده کده قیاحیات یلوانند با شیمی اوج منة قدر زمان عزت و ازاده تحویر
و افاده مشغول اولوب بزمانه کلنج اوج افندی ن احوال نصفه دگر شرح عطف
و شرح اشکال تاسیس و شرح چغنی و عو منازله لسی او قیوب زیج الوع بکدن دستور
تقویم استخراجی کوروب سابقا توضیح و تفصیل و اصفیائی و قاضی میر و اداب بحث
و فناری و شرح تهذیب و تسمیه در سکن استماع اتمشیم اول اراده طالعید
صرف مقامات و منطقه فناری و شرح تسمیه و جامع و مختصر و تراجم و ملحق
و در در سلسلری او قیوب کیمی تمام ابدی قاضی بر و شرح مقاصد امور عاصه سی
او قودیلر بواشاده مزاج احراق کلوب اصلاح مزاج و علاج ایچون علم طبعه اشغال
اولندی سبب و حاشیه ایلده اولت ایچون علم حرف و اسما و خواص کانی باری کورلوی
مزاج اعدا کلدی الفی بدی حدود و دانه اق حصار ای احمد روی او غل مولانا محمد قولیل
عصر دن ایدی فیکر خانه سی قرینده ساکن اولوب ریاضیات در سلسله مدروسه ایلدی

هند در دن شرح اشکال و حسابده علی قوشچی محمد سی او قیوب زبیدن دستور
تقویم استخراجی قاعده سی کوروی فیکر مشکله نظره بدی در جسته ایدی
طالب مزبور جسد اول زمان محرمه نصفه و انج بر شرح مزاج بازشیم فوط
زکا مملک اولی فی ایلده و دله فقیه مشا عده اولوب اکیسی و فی ذنا شاندیلر
شرح مزبور حل اولده قلوب بیان ذهن و تصدی ایدی مزبور و تفکر بش اودن
طالب محمد بر در سنی او قیوب شرحی تکمیل بجای ایدید بر مسعود لری اولی مق ایلدو
و حصه فتور کلوب عزت و انقطاع زمانه انتهای قریب اولوب سابقا یا زبان فیکر
فهرسی مقامنده اولان تقویم التواریخ ترکی و فارسی ملحق و جم دل بر طرز غرور
یا زیلوب کچا اید اتمام حریک یک الفی سلا و اخر ذمه شیخ الاسلام عبد الرحیم
افندی وزیر اعظم قوجه محمد پاشا به کندوب بونک جوق مرتبه بر تحقیق و ان
نهایت دنیا حصه صنده دون حصه مشغول رجاء استمرار فی مصلحتی نه لیه
اصلا تر و اولوب کوریلدو بنیابیشی در حومک درت حاضر اولوب
بعض مباحث علیه ایدوب رساله بر شیم تمام مرتبه قدرین بیلوب کاحی
دعوت و تواریک متعلق امورده مشورت ایدردی تواریکه مراجعت باند فیکر
ایله کتفا اتمشید یاشای مزبوره فیکر طرز خلافت اولان شقیه ندر اهل
و خلاف انها ایلدر باند جوق محله و سعید اتمشید بر مخالفت قادر اولوب
اختیار اولان ایلمی خلیفه فیکر رؤس و یردی و علمک و توحید بر کفی حرکت
غالب کلدی جوق بکچوب اول محمد و لدر بار اولدیلر کتاف و معاش باند و لدر
اولمده و مقدر ایلد کتفا اولوب دخی نبارده منی طلب حکمته موافق اولمده ذرات
و بمرتبه ایلد قناعت اول کورندی ایل طغوزده انقشده علوم غریبه کتایله
مطالعه اولوب طلبه طلب و حکمت و ریاضیات در سلسله او قور لری بخونده

سی فصل لابد به بیست باب رساله‌ری و جعفری شرح قاضی زاده روی درسی
 و فتحیه علی قوشچی درسی دفعه اوله اوقود المشرق برده نقش ایکه سلم
 الوصول الى طبقات الفحول نام طبقات اول جلدی حرف تابه وارنجی
 اولدی کتاب منوره اولین و آخرین کباری تواریخی یازمشه را نقش
 او حده محاضرات ماده‌ری حروف و زنده ترتیده تحفه الاخبار فی الحکم و الامثال
 و الاشعار حرف حمید و انچه بیاض اولدی و ساسی کتب بوزمانه کلمه کورلو
 مطالعه اولان تواریخ و طبقات کتا بدین کلمه نقلند غیر بشخصه
 کتاب خانه کچیک بیل جلد کتابی و یکری ستردن برده صحا فدا قیده
 کوردو کتب جلدی لرینه یازیلوب موضوعات علوم کتا بدینده سطوره اولان
 اوچوزدن زیاده فی دخی حروف ترتیبی ایلد کلمه نقل اولنده فکده و نجیب
 و سائل غریبه یازلدی که انکه جلد علوم و کتب علم اجمالی حاصل اوله و انکه کشف
 الظنون عن ساسی الکتب و الفنون نامی قوشی سابقا مسوده سن کورن علما
 بیاضی رجا ایدیکلرینه با حرف کایه وارنجی جلد اولی بیاض و علای عصر عرفان
 پسند و تحمین ایدیکلر سابقا جعفری زاده جهان نمان نام بر کتاب جمعه شروع
 اولمشیری مالک کفار کتا سلامیه ده یازما مقله فزکی طلسم باجور سکرلی
 القوب ترجمه سی مراد اولدی سابقا خزانه را جلدین اسلام کلن شیخ فاضل
 لاطن لنده و ماه را مقلد طلسم سید بر یکی سنده ترجمه اولدی اسکنده لوح
 التوریدینلدی بعده جهان ناما بیاضنه شروع اولدی و بر فزکی تاریخ دخی ترجمه
 اولوب ملوک کفا تاریخچه و رونق السلطنه نام قسططنیه تاریخی دخی ترجمه
 اولوب و فذلک لک مفصل سنده و زنده ترجمه سی جسته یازیلوب های
 افندی شیخ الاسلام الین اوج سانه غریبه سفتا اولوب جواب صمدار

ادامه

ادب مفید بر رساله شرح اولدی و دولک نظامی خصوصیه دستور العمل
 نام بر رساله یازلدی القصص درنده نقش رنده قانون نامه و مفید خطین مسائل
 غریبه فی مفصل اتوار نقل و جمعی قصص و بحم الرحیم و البیم یازیلوب کتا بخانه
 بولسان اوچوزدن جلد در شرحه کردن فدرسه چکلن و کت یک قدر رساله اولدی
 انتخاب مصاحبه شروع اولدی و انکی قطعه و نجیب حریف طایر یازلدی و قطعه دخی تواریخ
 و طبقات نورانی و لطائف نگارستان غفاری کچی جمع اولوب احصا اولنده یازلدی
 بیک نقش البته طونما انکری باعث اولوب قتلک در با جنگلری و سفر لری
 و بعضی ترسانه و در با اصول تحفه الکبارده یازیلوب بیک نقش بدی صفه و بر رساله
 تحریر اولدی و بوزمانه کلمه حقه ده را کچیکون امر معاشره کچیکون قلم و اولوب باقی
 اوقا زنده کرده و مطالعه و تجربه حرف ایلک نفع میسر اولدی امید و کتا بدینده صکره
 دخی لیقه عمر و حال ایلکیم جعفری و رساله و تجربه شروع اتماسنده بیک نقش
 بدی حرمک بکری دره کچی کچی ایلد ادره حقیقت فخر عالم صلی الله علیه و سلم عالم زنده
 بوفیه کوردن بر صحابه ارباب غرا حبسته انک در میان ایدو بیغ قوشش را علوان
 و انصار اطرافه بعد یرده ایدی حضور شریفینه ظهور ب بعضی مسائل علوم استفاده
 ایدو سابقا و پور را ایدی تاریخی خاطر نشان یو اولدی که انک قائم فخر جلوس اید قیام
 بلینده انشای استفاده ده کتا بدین تقبیل اید و ب پارسل الله بونده کتا برکم
 نقلین سیوک مشغول اولدی و بیک پور بدیکه یازیلوب کتا بدینده مشغول اولدی و بیک
 صوت اعلا اید پور بدیکه بر مرثیه کتا بمعنا کلمه طوب ادا و نجیب اثری تاریخ اید
 پور یازده نجیب معنای اشارت و اشار پور بدیکه اول غرا حبسته و امن
 در میان منتظم سیف کوردن لری کفا خاکسارک غلوه رتن کور سروب بعضی اید

مستورا اولمده چنانچه در کلام اشعار بود و نیز فیض سلف غزواتی بخیر اوزره
اولمده اول تصورده چنانکه ایامی و بیغیر گشته اشتغال الما حرکت تاویل
و توجیهی بود که بوند ناقد و دستور عمل آفریده تعریف بقید معنایه اشارت الما
به اشارده اقتضا حبیل که متعلق امور قدسی و اربادی بولمده اکثر اشارت حاصل
اولوب مطابق کلری منتهیه در معنایه در هر یک تنبیه بود که سابقا
علوم شرعیه در سلبه نقیده اولمده اربادی اصول نقد و ذوق اوقوب بعضی شایخ
تفسیر و حدیث فرا کرده اید اربادی بوقیده کلن طالبان با حیات و معقولات
در سلبی اوقوب بشر و عات قالمشیدی اول در سلبه دوام شغل مشربده اشتغال
و سلبه سدر مقصوده و حصول بر خیزنده بر نوسان الما سلبه طالبی الما اول مظهر
و حصول بزم قسط الما اولور بزرگن ماسن پیغمبر الما توسل اشتغال بود یک تنبیه بود
زیر اجماعه چنانچه لازمه بر قضا و بد منزل الما معقولات و شر و عات جناحین
مثابسه کر که بوند حکم و شر و عات در سلبی الما بقیده غریب اولندی الما لغاتی
موفق الما بوند انقدر بر خودی بیک النش بر بختک در بختی کجی اربا کجی بوند
تشریف میسر اولمده حمت غمزه ایکی دفعه واقع اولدی بعد الحمد والمه بومقامده
تجدید نعمت تمام اولدی من بعد و صایا ذکر به شروع اید لم **و حجت** اولی بادشاه
انامه آیه الله و ابه سلطنته از بوم القیام صغر قرینه لایق و حجت اولدی که فراتر از حجت
اداره جاکه عقاید اسلامیه چک قدر علم ابدین بایده آتفا ایدوب کتبه در کس
علم حال اولان خزینه و عسکر و عایا احوال اوقاف بقیه بیک سعی جوهره که اجداد
عظای کبی تاریخ گوید بکین دولت دار اولان قنده دن حصه الارض فاسه
مطلع اولوب هر صغر مقتضایه بجا بیه لطف و خیر اید دولت علیه قانون قیمتی

اجرا اید و رسایر و کلامی دولت و اعیان سلطنت دخی بوباید و انتمدرینه امر و معاد
وقاد اولدی قری مرتبه غیر موعود هفت بل صحت اید و اهل اسلامک اختلافتضا و بوی
در الزمه اولان نزاعی رفیق و لطفه دفع اید با حکام الما اجرا شده و امر و عاده
تمهید که مستمر بر اوست **ثانی** و اعطاء اختیاره لایق و حجت بومقامده و عطا
نصیحت ادا بوند بر قاجانی بیان منتهیه بود و حجتی درج ایدر نا کسحایه بولمده
ادایه رعایت اید و اعطاء کلمه کرامت **اول** بود که وعظه شهر خلقک عرفیه عادت
و اصطلاحه مخالف سوز اولیه زربا با غایت قیل و قال و اختلافتضا **اول** بود که
اهل اسلام اراده اختلافتضا و اربا رفیق و حسن تعبیر دفع دل بزرگانه با لطف
قوس و لغز و اوعاض و دفع متعلق و عطا اولدی بهایه طوب اوقاف طرفه عتاب آینه
سوز ایل شحات اولمده عادت از بداند سپهر **ادب ثالث** بود که عزم اولدی اولدی
امتنان و نوا هیدن اجتناب و خرافه و اجتناب اید ترغیب موعود و وعید و کرامت
ترغیب بایده از اطل و قریط اقتضایه کوره چکانه الما خلق امن و بایره و شمشیر
الحق و الرحا آئیده از خود چنانچه غالب اولور اولسون **ادب رابع** بود که زمانه
مقتضای نه ایسه اولدی فضل ایام و شهر و عمل بوم و لیلده وارد اولان اخبار
و انرا نقل و عوام زبده تعلیم اولدی موقوف حیر شدن غیری احادیث ضعیفه نقلیه بایس
یوقدر حقیقه اخبار و انرا وارد اولان و نقلی و عبادت ترغیب اولوب عادت مبنی
اولان نماز و عبادت و ذکر اولمده بلکه اول بایده که عذوق سر لر دخی سکوت اید **ادب**
خامس در کوعوم نهمدن خارج اولان مباحثه دقیقه با خود نصیحت اصطلاح
مبنی جروت و لاهوت عالمن دن دم و دیوب اکثر مخاطبیک حال و شایه و امیان بود
سویلیه بلکه واضح و دخی آسان نصیحت و تمثیل سولینه امام رغبه اصفا

در سوره و تفصیل نشسته و عظم عوام یکپرده خواص این دکل بیشتر اید
کلمه الناس تا در عظم لهم خواص را رعایت کن جلیب زیرا اکثر مستینه نه لیاقت
اولی نفس طوطی مجبور باشد اقبال ایدوب اعراض بد رنگ اعراض روح چو کبک
داخل توجه سب اولوب نوم حادث اولو اول جلد ندر که خلق و عظم و خطبه بسته
اولو در زیر خطبه عبیدر خرم است و کلمه بعد معنی ایدو چندان اشتقاق بود در بیت
ای درینا عصبه افوم خلق و عظم و تنگ آمدن و در خلق خلق و **اولو سار**
اولو که عظم مناسبت نوادر حکایات و لطایف و ابیات کا حکای بر اولو بشرط
انکه طعانه تنگ مثال اولو **ادب** **سابع** بود که بر سوره سارده باز بیان مباحث
و سایر جزئیات امور نقل کثرت مستحق و انتها مصنفی چون طبع و حواس
اولی عظم عوام اوزره حلال و حرام و صوره و صیاه متعلق و عیایا علی اصول اولو
اسلای تعلیم متعلق نافع سوزر سوزله لطافت فقر و حسن تعبیر صابجی اولانی
و کلام و عظمه عالم نوعی باری ادب و عظمه جفیفه خلق الیر میره **صیت**
ثالث سار عظم مسلیه لایق و صیت را زده و بی لازم اولو بود که ایدر سب
حق بود که نصیحه بوسونک اوزره بی طور بدش وقت تازی قیلوب رمضان نورانی
طوطی غنی ایدر زده و بره جوده بیان سوزیک که عصبه و سار نهضت الیه
طوطی غنی اوزره طوره بونفون غیر کنده معاش و کایر که نه ایدر آتی کوره
و عظم دکلر ایدر حقیقه بر جمد که کفایت ایدر اکله و بی مرتبه ایدر قاعته ایدر
فلان و عظم بکون خیل و دیدی فلان سار شولر ایدر سوزله ایدر سوزله ایدر سوزله
اولیان سوزلری سوزله ایدر علم جبین الیه **صیت** **رابعه**
بوقیونر استفاده ایدر طالبه خصوص سار طلبه بی عیو لایق اولان و صیت
بوشامه خیر تا ضل تحقق فاضی ایدر حاکم کنی نما آخر نه باز و بی وقت کنی

۹۹

توسیع ایرد و یرم که اولاً تو بلدن اولان ذوات تحصیل مقامات ایند که در فکرمه عقاید
اسلامیه کوره مساکینی ضبط الیه بعد خلاقان اوزره شغل الیه هرگز نه و حشره
جانبندن باشد و رفتی اتقان اوزره تمام آیدن فن آخره انتقال الیه کند و کعبه
و مقام سمعند که کورب که موافق فکری تحصیل و تکمیل الیه اوردن کت حال مساعد
اول و سر سایرین دخی کوره کیده و تحصیل تمام اولمین بعضی وظائف مناسب علییه
خصوص الیه زیر افضا دقتی و وعظ و امانت و خطبات و کتابت قانون اوزره مشغله
مانند افر و طیفه سنه اشغال لازم کلور بعد تحصیل دخی نظریه ک و حشیدن نیسانه
سمبر زیر اول خصوص اشغال فربنگ جزئیان آید اشغال دخی اول دخی قانون ذوقیه
اوزه دخی مدتی و مستغف که عزای اوزره و اول جلدن فاضل روحی و دوسری فاضله
زاده مرحوم سید شریف بالا اسطر استاذ مدرسه تحصیل انک انارند در طریق اولاده
سید عبداللین تألیف دین غیری برکت به استفا در مقصد الیه بقدر بن دخی سید
مرتبه شسته و اهل اولور دم کر قراج مانع اولمیدکی اولان تصحیح المزاج الیه
بن علیلم و انحرک و لندن آخرنه دکه در سر تحریر ایدق قانون اوزه مشغله الیه
بنم زمان مشغله مناسبه اشغال الیه یقه فضا و قوایم مثلاً اولوب مشغله
قدم دیکلای شقایق هاشمیه مظهر دیکلای صادق طایب صحیح تحصیل اولاده
اول فضا اوه اوغامیه امر معاشی بر غیری طریق بن ترک الیه عقاید اصل شسته ضبط
الیوب کتب دست و اجماع امت حصه کوره قرآن و حدیثی و فقهی و اولی کلای
میزان اتحاد الیه بعد حکما کلامی و منکلبان سوزلرینی و موقوفون کلامی تتبع
الیوب خدفا ماضی دعه کادر فحوصحه هر بنه نکر و نظر صحیح الیه مفیده اولان قبول
ایدوب مستفید اولهیم بر بنی و انکار الیه الیوب تعجب در دین و دینیست که مقصد
ده تنبیه اولندیم بو مقامده کلام انجاء ایروب رسالت هم اولدی حق سبحانه
و تعالی جده حسن خاتم میر الیه طریق برهان و دخی همانده آیریم عده ذکر ایمان
یاجب التاملین
برکت یک مؤلفی بنو قاضی تالیفات دخی و اولاده
تالیفات ده الیور بنی و دسیر و در تاریخ دیکلای کتب و اولاده

تمت هذه الرسالة الموعودة على يدنا العبد للناس مولاه الأتيس عن سواه من فضي الميرزا
المعلم بابتدائية القزوين موقت في اليوم السادس من شهر محرم الحرام سنة
سبع وثلثمائة والف من هجرة النبوة عليه افضل التسليم
والحجة اللهم اغفر عواقبنا بالخير بحجة من انشق الف
بأشارته وانفع ظلمة الظلم بنور شريعته
آمين يا رب العالمين